

برکنار می‌گردد، چگونه می‌توان تنها دلالت معاملات اسلحه و کارکنان وزارت دفاع آمریکا را متهم به نادرستی و دغلکاری کرد؟

متعاقب انتقادات شاه از آمریکاییها، امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر نیز کمپانیهای خارجی را به دلیل سوء اعمال و رفتارشان و مطبوعات غرب را به مناسبت انتقاد از رژیم ایران مورد حمله قرار داد. هویدا ضمن تأیید اتهامات برخی از شرکتهای خارجی، در پرداخت رشوه به مقامات ایرانی می‌گوید «... اینها، بازتاب غم انگیزی است از شیوه عمل و منش جامعه تجاری بین‌المللی، که باید انتظار آن را داشته باشیم.» سپس می‌افزاید «آنها نقایص کار و نقاط ضعف ما را گوشزد می‌کنند و به ما پند و اندرز می‌دهند، ولی می‌بینیم موعظه‌کنندگان ما، خود گرفتار ضعف اخلاقی هستند.»^{۱۰} جالب این است که شاه همین هویدای موعظه‌گر را، کمی پیش از سقوطش، به عنوان یکی از مسئولان فساد رژیم خود به زندان انداخت و نخست‌وزیر اسبق ایران، چند هفته پس از پیروزی انقلاب جزء اولین دسته‌هائی بود که در دادگاه انقلاب محکوم و اعدام شد. انتقاد و اتهامات آمریکاییها علیه ایران و شاه و نیز مقامات ایرانی علیه آمریکاییها بالا گرفت و به مطبوعات و کنگره آمریکا کشید. در فوریه ۱۹۷۶ نیویورک تایمز که سالها مداح شاه و رژیم پهلوی بود در سرمقاله‌ای هشدار داد که «ایالات متحده با فروش این همه جنگ‌افزار و تجهیزات به کشورهای حوزه خلیج فارس مرتکب اشتباه بزرگی شده و دولتهای منطقه با اسراف و ولخرجی ثروت و دارایی خود، به غلط تظاهر به قدرتمندی می‌کنند.» شاه که از پشتیبانی واشینگتن نسبت به خود تردید پیدا کرده بود، به سیاست دولت آمریکا خرده گرفت و طی مصاحبه با خبرنگاران روزنامه‌های آمریکا گفت «اگر ایالات متحده ارسال سلاح و تجهیزات را به روی ما قطع کند، مطمئن باشید بیش از آنچه شما بتوانید به ایران لطمه وارد سازید، صدمه خواهید خورد» شاه افزود «تنها راهی که واشینگتن می‌تواند انتخاب کند ادامه فروش اسلحه یا آشفتگی در اوضاع منطقه است [...] من نگران پایین آمدن اعتبار ایالات متحده آمریکا هستم. شما بیشتر به یک غول افلیج شباهت دارید [...] ما، ده بازار دیگر برای تهیه و تأمین خواسته‌ایمان در اختیار داریم. هم اکنون کسانی هستند که در انتظار فرصت نشسته‌اند.»^{۱۱}

10. New York Times, Feb. 13, 1976.

11. New York Times, Feb. 5 and March 2—4 and 15, 1976. Washington Post, Jan. 28 and Feb. 9, 1976.

در همین اوان واشینگتن، از فروش نیروگاههای اتمی به ایران خودداری کرد و شاه برای خرید آنها به فرانسه روی آورد.

انتقاد شدید از سیاست آمریکا

شدیدترین انتقادات به سیاست دولت آمریکا نسبت به ایران، انتشار گزارش کمیته روابط خارجی سنای آمریکا، درباره فروش جنگ افزار به ایران، در سال ۱۹۷۶، طی ماههای آخر حکومت جerald فورد بود. در این گزارش گفته شده بود ایران احتمالاً طی ۵ تا ۸ سال آینده، بدون پشتیبانی مستقیم ایالات متحده، قادر به درگیری در یک عملیات نظامی بزرگ نخواهد بود و تبدیل ایران به یک ابرقدرت در منطقه، ممکن است به بهای کشاندن آمریکا در یک جنگ منطقه ای، آن هم در زمان و مکانی که شاه انتخاب کند، تمام شود.

در گزارش کمیته روابط خارجی سنای آمریکا، این نکته نیز خاطرنشان شده بود که: «تصمیم پرزیدنت نیکسون در سال ۱۹۷۲ در مورد آزادی عمل شاه ایران در انتخاب و خرید جنگ افزار آمریکا، کارخانه های اسلحه سازی را به یک منبع وسیع گردآوری ثروت تبدیل کرده است؛ بدین روال تا سال ۱۹۷۵ مقادیر معتابهی جنگ افزار و تجهیزات نظامی، بدون کنترل و رقابت معقول و نیز به رغم مشکلات لجستیکی و نگاهداری، تحویل ایران شده و این برنامه همچنان ادامه دارد.»

همچنین در این گزارش گفته شده بود «حضور عده زیادی آمریکایی در ایران، مسائل اجتماعی - اقتصادی فراوانی به وجود آورده است، در صورت تغییراتی در ایران، که احتمال آن را نمی توان نفی کرد، محتمل است احساسات شدید ضد آمریکایی ظاهر شود [...] و چه بسا، هزاران آمریکایی را که در ایران هستند، در معرض خطر «گروگان گیری» درآورد.»

در گزارش کمیته خارجی سنای آمریکا، نسبت به افزایش روزافزون نظامیان و کارکنان آمریکایی در ایران ابراز نگرانی شده بود «... در حال حاضر ۲۴۰۰۰ آمریکایی، شامل ۴۰۰۰ پرسنل نظامی و نیز کارگران و کارکنان ۴۰ کمپانی که با ایران قرارداد امضا کرده اند، در ایران حضور دارند. و پیش بینی می شود که این رقم در سال ۱۹۸۰ به ۵۰ تا ۶۰ هزار تن برسد.^{۱۲}

۱۲. گزارش کمیته فرعی کمکهای خارجی در کمیته روابط خارجی سنای آمریکا، مورخ جولای ۱۹۷۶،

موافقان ادامه فروش جنگ افزار به ایران ضمن رد هرگونه دگرگونی در اوضاع ایران می گفتند: دولت آمریکا نمی تواند برنامه های فروش اسلحه به ایران را بدون برخورد با بحران غیرمنتظره در روابط ایران و آمریکا، لغو و یا به طور اساسی کاهش دهد و حتی در اجرای آن تجدید نظر کند.^{۱۳}

در جریان این گونه انتقادهای، کیسینجر طبق برنامه ای که از پیش تنظیم شده بود، به تهران آمد و با شاه گفتگوی طولانی به عمل آورد. وی در پاسخ به منتقدین گفت «ایالات متحده نمی تواند به تنهایی همه مسئولیتهای امنیتی جهان را به عهده بگیرد. آمریکا باید از دوستان ارزنده خود، مانند ایران، پشتیبانی کند.» کیسینجر طی مصاحبه ای در تهران گفت: «برنامه فروش جنگ افزار و تجهیزات نظامی به ایران تا سال ۱۹۸۰ ادامه خواهد یافت.»^{۱۴}

• •

به رغم سخنان کیسینجر، محمدرضا شاه آسوده خاطر نبود؛ مطالب انتقادآمیز روزنامه های آمریکایی، بسان کابوس او را آزار می داد. وی در مصاحبه با روزنامه نگاران خارجی در پاسخ به انتقادکنندگان گفت:

«ایران برنامه های خود را تغییر نمی دهد. ما کشور مستقلی هستیم و قصد داریم از تمامیت و استقلال خود دفاع کنیم. تشخیص اینکه به چه چیزی نیاز داریم، مربوط به خودمان است.»

سپس افزود:

«آیا ایالات متحده آمریکا و کشورهای غیرکمونیزست جهان می توانند از دست دادن ایران را تحمل کنند؟ آیا راه دیگری در پیش دارید؟ اگر ایران در معرض خطر فروپاشی قرار گیرد چه می کنید؟... پاسخ این سؤالات روشن است؛ اگر سیاست پشتیبانی از دوستان را ادامه ندهید، چه کسانی حاضرند پول و خونشان را نثار کنند؟ شق دیگر، فاجعه اتمی یا ویتنامهای دیگر است.»^{۱۵}

→

ایران و ایالات متحده آمریکا، اسناد تاریخی، کتابخانه کنگره، واشینگتن دی. سی، صفحات ۴۰۸ تا ۴۰۹ (ترجمه از متن انگلیسی).

13. Middle East (London), March, 1976.

14. Paved with good Intentions, p. 174.

15. Washington Post, Aug. 7, 1976.

دولت فورد قصد نداشت سیاست پشتیبانی از محمدرضا شاه را تغییر دهد. به زعم مخالفتهای مطبوعات و کنگره، کیسینجر در پایان اوت ۱۹۷۶ گفت: آمریکا با فروش ۱۶۰ فروند هواپیمای اف-۱۶ به قیمت ۳/۴ میلیارد دلار موافقت کرده است و این هواپیماها بین سالهای ۸۳-۱۹۷۹ تحویل ایران خواهد شد. چند تن از سناتورها مانند گیلورد نلسون^{۱۶} و ویلیام پروکسمیر^{۱۷} با فروش هواپیماهای بیشتر به ایران مخالفت کردند. فروش هواپیماهای بمب افکن سبک اف-۱۸ ال در پایان سال ۱۹۷۶ نیز با مخالفت روبه رو شد. نورتروپ در صدد بود این هواپیماها را به دولت آمریکا بفروشد و چون موفق نشده بود، بدون انجام تشریفات اداری برای فروش آنها با مقامات ایرانی وارد مذاکره گردید. به گفته یکی از مقامات رسمی دولت آمریکا «ایران، به صورت بازار داغی برای کمپانی نورتروپ درآمده بود».^{۱۸}

سرانجام پس از ملاقاتی که توماس جونس، رئیس کارخانه نورتروپ با شاه به عمل آورد، طوفانیان خرید ۲۵۰ فروند هواپیمای اف-۱۸ ال با تجهیزات و خدمات آن را به مبلغ ۲/۵ میلیارد دلار سفارش داد، ولی رامسفیلد، وزیر دفاع انجام هرگونه معامله ای را با ایران منوط به موافقت دولت ایالات متحده دانست. سنای آمریکا (کمیته روابط خارجی) نیز، فروش جنگ افزار و تجهیزات نظامی را به خارج، مشروط به نتیجه رسیدگی به وضع سلاحهای فروخته شده از سوی آمریکا به کشورهای حوزه خلیج فارس کرد.^{۱۹}

انتقاد از سیاست اختناق رژیم شاه

همزمان با مخالفت و انتقادهایی که در زمینه فروش جنگ افزار به ایران در مطبوعات و کنگره آمریکا به عمل آمد، روابط ایران و آمریکا و نیز سیاست اختناق و سرکوبگرانه رژیم شاه، در محافل سیاسی و مطبوعات مورد بحث و انتقاد قرار گرفت. سازمان عفو بین الملل، در گزارش سال ۷۵-۱۹۷۴ (۱۳۵۴-۱۳۵۳) با تشریح شیوه عمل دولت ایران، نسبت به مخالفان و احکام دادگاهها، اعمال شکنجه به وسیله پلیس و ساواک و تشریح بیدادگریهای رژیم شاه، تعداد زندانیان سیاسی را بین ۲۵ تا ۱۰۰ هزار تن برآورد کرد.

16. Gaylord Nelson 17. William Proxmire

18. Washington Post, Oct. 11, 1976.

19. Christian Science Monitor, Nov. 11, 1976.

ویلیام باتلر^{۲۰} عضو کمیسیون حقوق بین الملل که در سال ۱۹۷۶ (۱۳۵۵) از ایران بازدید کرد، شواهد زیادی از اعمال شکنجه فیزیکی و روانی را در ایران تأیید نمود ولی نتوانست فهرست اسامی قربانیان سیاسی را تهیه کند. عفو بین الملل تعداد اعدام شدگان را از سال ۱۹۷۲ (۱۳۵۱) به بعد، حدود ۳۰۰ تن می‌داند و ادعا می‌کرد تعداد چند صد تن دیگر را که اسامی آنها اعلام نشده، باید به این فهرست اضافه کرد.^{۲۱}

در مطبوعات و رسانه‌های خبری آمریکا و غرب «ساواک» ابزار اصلی اختناق و سرکوب مخالفان رژیم شاه معرفی شده بود و این، تعبیری درست بود. از اوایل سال ۱۹۷۶ (۱۳۵۵) روابط ایران و ایالات متحده دستخوش تغییراتی شد و به تدریج به سردی گرایید. جنگ ویتنام، رسوایی واترگیت و نارضایتی وسیع مردم آمریکا، لزوم تغییر در سیاست خارج ایالات متحده را تأکید می‌کرد. روزنامه واشینگتن پست در سرمقاله ۴ اوت ۱۹۷۶ ایران را نمونه‌ای از میراث سیاست خارجی نیکسون دانست و ضمن تنقید از آن نوشت: «ایالات متحده آمریکا نه می‌تواند تعهدی را که نسبت به ایران به عهده گرفته است، انجام دهد و نه به آسانی آن کشور را رها کند...»^{۲۲}

20. William Butler

21. Amnesty International Report 1975—1976 (London, 1976), pp. 182—83. Washington Post Dec. 16, 1979.

22. Washington Post, Aug. 4, 1976.

بخش هفتم

سیاست کارتر در مورد فروش اسلحه

جیمی کارتر^۱ کاندیدای حزب دموکرات آمریکا، پیش از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری، در مناظره تلویزیونی ۶ اکتبر ۱۹۷۶، سیاست حزب جمهوریخواه و جerald فورد را در مورد فروش جنگ افزار به خارج، به باد انتقاد گرفت و گفت «ایالات متحده آمریکا، برخلاف اصول و معتقدات دیرینه مردم آمریکا، تبدیل به بازرگان فروش اسلحه، در سراسر جهان شده است.»^۲

روز ۲۰ ژانویه ۱۹۷۷ کارتر، رئیس جمهوری جدید آمریکا در کاخ سفید سوگند یاد کرد و مشغول کار شد. اعضای دولت کارتر درباره سیاست خارجی، نقطه نظرهای متفاوتی داشتند. برخی با سیاست هنری کیسینجر، وزیر خارجه پیشین مخالف بودند؛ افرادی نیز مانند سایروس ونس^۳ وزیر امور خارجه و هارولد براون^۴ وزیر دفاع که در زمان جنگ ویتنام، مسئولیتهایی در دولت داشتند این طور وانمود می کردند که موافق با ادامه سیاست از اعتبار افتاده گذشته نیستند. همچنین مذاکرات و قول و قرارهای محرمانه، با دیگر کشورها را که از خصوصیات دولت نیکسون و فورد بود مردود می دانستند و خود را طرفدار «دیپلماسی باز» معرفی می کردند.

حکومت جدید آمریکا که تجربه دوران غم انگیز سالهای آخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل ۱۹۷۰، جنگ ویتنام و نارضایتی شدید جامعه آمریکا را پشت سر گذارده بود و در صدد درگیر شدن دوباره با چنان ماجرابی را نداشت، قصد داشت در مورد فروش سلاحهای آمریکایی به کشورهای که با رژیم دیکتاتوری اداره می شدند، تجدید نظر کند. همچنین از حمایت سران این گونه کشورها خودداری نماید. رئیس جمهوری جدید که سیاست دفاع از حقوق بشر را، یکی از اصول سیاست خارجی دولت خود اعلام کرده بود، از هر نوع برخورد نظامی احتراز داشت و برای اثبات حسن نیت خود، بیست و چهار ساعت پس

1. Jimmi Carter 2. New York Times, Oct. 8, 1976.

3. Syrus Vance 4. Harold Brown

از ادای مراسم سوگند ریاست جمهوری، بی‌آنکه با رهبران کنگره و کارشناسان نظامی مشورت کند، دستور داد برنامه خارج کردن سلاحهای اتمی ارتش آمریکا را از کره جنوبی تهیه کنند.^۵

نه ویتنام، نه پینوشه

این شعار مقامات بلندپایه و همکاران جوان رئیس‌جمهوری جدید بود. شعاری که برای دیکتاتورها و شخص محمدرضا شاه، «هشدار» با معنایی تلقی می‌شد. چند تن از مشاوران نزدیک رئیس‌جمهوری مانند هامیلتون جردن^۶ و جودی پاول^۷ — رؤسای ستاد و دفتر کاخ سفید — معتقد بودند که دولت جدید ایالات متحده، برای رفع نگرانی مردم آمریکا باید سیاست خارجی خود را تغییر دهد و از پشتیبانی سران رژیمهایی مانند سالازار در پرتغال، حکومت سرهنگها در یونان، نظامیان در برزیل، آرژانتین و کره جنوبی و نیز رژیم محمدرضا شاه، دست بردارد. جناح راست دولت که در رأس آن زیبگنیو برژینسکی^۸ قرار داشت، معتقد بود که: ایالات متحده آمریکا، با اجرای سیاست حقوق بشر، نباید از مقاصد تجاوزکارانه شوروی غافل بماند. برژینسکی، به‌طور مشروط طرفدار حمایت از دیکتاتورها بود.

سیاست جدید فروش جنگ افزار

چند روز پس از تشکیل دولت جدید، به دستور رئیس‌جمهوری کمیسیونی به منظور تعیین سیاست فروش اسلحه از آمریکا به کشورهای خارجی تشکیل شد. کمیسیون مزبور پس از مطالعه و بررسی سیاست گذشته و مشی دولت جدید، نظریات خود را تسلیم رئیس‌جمهوری کرد. پرزیدنت کارتر نیز روز ۱۹ مه ۱۹۷۷ پیشنهاد کمیسیون را صحنه گذاشت. به موجب طرح جدید فروش جنگ افزار، به کشورهایی که ایالات متحده آمریکا با آنها پیمان دفاعی امضا کرده بود (اعضای پیمان ناتو، کشورهای ژاپن، استرالیا و نیوزلند) مشمول محدودیت دریافت اسلحه نمی‌شدند. آمریکا نسبت به تعهدات و مسئولیت تاریخی خود مبنی بر تأمین امنیت اسرائیل وفادار می‌ماند. به‌طور کلی، سیاست کنترل فروش جنگ افزار به مورد اجرا درمی‌آمد، مگر در شرایط و اوضاع فوق‌العاده، با تأیید

5. Debaele, p. 60. 6. Hamilton Jordan

7. Jody Powell 8. Zbigniew Brzezinski

رئیس جمهوری؛ همچنین لزوم واگذاری سلاحهای مدرن به کشورهای دوست ایالات متحده با توجه به نوع، مقدار و نیز به طور تأمین موازنه تسلیحاتی در منطقه تأکید شده بود.^۹ تصمیم رئیس جمهوری در مورد محدودیت صدور اسلحه مبتنی بر موارد زیر بود:

۱. میزان تعهدات جدید از لحاظ فروش سلاح به خارج و برنامه های کمک نظامی سالانه تا میزان ۸/۶ میلیارد دلار تقلیل می یافت.

۲. دولت آمریکا متعهد بود که در ارسال سلاحهای پیشرفته به کشورهای توسعه نیافته جدید، به نحوی که ظرفیت و استعداد جنگی آن کشور را بالا ببرد، پیشقدم نشود.

۳. صدور هر نوع سلاح جدید و پیشرفته به خارج از آمریکا ممنوع بود، مگر آنکه این گونه سلاحها، در نیروهای مسلح آمریکا مورد استفاده قرار گرفته باشد.

۴. انعقاد قراردادهای همکاری در ساختن سلاحهای سنگین و نیز تجهیزات و اجزاء و قطعات اصلی آنها، ممنوع بود.

۵. میزان فروش جنگ افزار و تجهیزات به خارج، با توجه به مقررات قانونی با اجازه وزارت خارجه، از طریق نمایندگان ایالات متحده و یا کارخانجات بخش خصوصی صورت می گرفت، سفارتخانه ها و نمایندگان نظامی آمریکا در خارج از کشور، مجاز به مذاکره برای فروش جنگ افزار نبودند.^{۱۰}

در اجرای سیاست جدید دولت آمریکا، در مورد واگذاری اسلحه به خارج، ایران یک مشتری بود، نه کمک گیرنده؛ بدین ترتیب، دستور جدید رئیس جمهوری آمریکا، طرح محمدرضا شاه در جهت مدرن ساختن ارتش ایران را کند می کرد. برنامه شاه، شامل تقویت قدرت نیروی هوایی با خرید هواپیماهای مدرن، همچنین تهیه هواپیماهای هشدار دهنده «آواکس» و نیز خرید جدیدترین ناوگان دریایی بود که نیروی دریایی آمریکا اخیراً وارد خدمت کرده بود. رادارهای پیشرفته، انواع تانکها، توپها، موشکهای ضد هوایی از جنگ افزارهای مورد علاقه شاه بود.^{۱۱} ولی این درخواستها با سیاست جدید

9. Richard Sale, «Carter and Iran, from Idealism to disaster». Washington Quarterly, Autumn, 1980, p. 80.

10. U.S. Department of State, Bulletin, Nov. 9, 1977.

۱۱. برنامه محمدرضا شاه، در تقویت و نوسازی ارتش ایران تا سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱) بدین قرار بود:

نیروی زرهی؛ ۱۵۰۰ دستگاه تانک «شیر ایران» که به وسیله مهندسين انگلیسی طراحی شده بود. قدرت موتور این تانکها دست کمی از دیگر تانکهای جدید نداشت ولی از لحاظ توپ کالیبر ۱۲۰ میلیمتری، و دستگاه هدفیابی مجهز به لیزر و دیگر تجهیزات الکترونیکی پیشرفته بود؛ ۸۰۰ دستگاه

دولت آمریکا تطبیق نمی‌کرد. از سوی دیگر، کنگره ایالات متحده با واگذاری هواپیمای «اواکس» و دیگر هواپیماهای جنگی و سلاحهای پیشرفته به ایران موافق نبود. سرانجام، پس از مذاکرات طولانی با فروش «اواکس» در صورت تصویب کنگره توافق شد ولی واگذاری هواپیماهای اف-۱۶، آن هم به تعداد ۱۴۰ فروند با مخالفت دولت و کنگره مواجه گردید.

درباره مشی سیاسی دولت ایالات متحده در قبال ایران و درخواست پایان‌ناپذیر خرید انواع جنگ‌افزارها، سه تن از رهبران بلندپایه دولت آمریکا (وانس، برژینسکی و براون) پس از مذاکرات طولانی و تبادل نظر، بدین نتیجه رسیدند که واگذاری همه سلاحهای مورد تقاضای شاه ایران، بخصوص تعداد بیشتری هواپیماهای جنگی، عملی نیست. ولی

→ تانک چیفتن (Chieftain) با تغییراتی در موتور آن؛ و ۴۰ دستگاه تانک ام-۶۰ آمریکایی با توپ کالیبر ۱۰۵ میلیمتری؛ ۴۰۰ دستگاه تانک ام-۴۷ با توپ کالیبر ۹۰ میلیمتری، که قابل تعویض با توپهای کالیبر ۱۰۵ بود؛ ۲۵۰ دستگاه تانک اکتشافی اسکورپیون (Scorpion) و تعدادی تانکهای مدل جدید که در دست سفارش بود.

متجاوز از ۱۰۰۰ دستگاه خودرو حمل افراد و مهمات و زره‌پوشهای ام-۱۱۳ و بیش از ۲۰۰۰ دستگاه انواع خودرو زرهی حمل و نقل روسی، شامل خودروهای مخصوص پرتاب موشک ضد تانک. توپخانه؛ در سال ۱۹۸۲ توپخانه ارتش ایران، از لحاظ کیفی هم‌تراز توپخانه «ناتو» بود. کارخانجات ایران نیز توپهایی با کالیبر ۱۰۵، ۱۲۰ و ۱۵۰ میلیمتری و بالا تر تولید می‌کردند.

نیروی هوایی؛ ۷۸ فروند هواپیمای اف-۱۴ با موشک فونیکس با برد ۹۰ مایل و تجهیزات رادار به شعاع ۱۵۰ مایل که قادر به پرتاب ۶ موشک به هدفهای مختلف در یک زمان بود.

— ۲۵۰ فروند هواپیمای فانتوم با تجهیزات پرتاب بمب لیزر و نیز Black Box که قادر به منحرف ساختن موشکهای دشمن است.

— ۱۰۰ فروند هواپیمای اف-۵ ای.

— حدود ۱۰۰ فروند هواپیمای اف-۱۴ یا اف-۱۵ (منوط به آن است که آمریکاییها کدام مدل را تهیه کنند).

— ۱۰۰ فروند اف-۱۶ که قبلاً سفارش داده شده بود و مذاکراتی برای افزایش آن تا ۱۴۰ فروند ادامه داشت.

رادار؛ ۷ دستگاه سیستم رادار هوایی با برد ۳۵۰۰۰ پا که کاربرد آن بیش از ۳۰ دستگاه رادار سیستم زمینی است.

هواپیمای حمل و نقل؛ ۲۴ فرند هواپیمای تانکر ۷۴۷ و ۷۰۶ جدید که قادرند در هوا یکدیگر را سوخت‌رسانی کنند؛ ۵۷ فروند هواپیمای حمل و نقل نظامی هرکولس سی-۱۳۰. ←

به لحاظ روابط ایران و ایالات متحده، آمریکا با ادامه فروش و ارسال جنگ افزار و لوازم مربوط به ایران و نیز واگذاری سلاحهای بیشتری نسبت به دیگر کشورها موافقت نمودند. افزون بر این، ایران می‌توانست بخشی از نیازمندیهای تسلیحاتی خود را از کشورهای اروپایی تأمین کند. مثلاً موتور ناوشکنها خریداری شده از آمریکا، در آلمان غربی ساخته شود، ولی سلاح و سیستم رادارهای آنها از آمریکا دریافت گردد. بدین روال، در چارچوب دستورالعمل جدید ایالات متحده در مورد فروش جنگ افزار به خارج از کشور، شاه بخش عمده سلاح و تجهیزات مورد درخواست خود را دریافت می‌کرد. از شگفتیهای تاریخ دیپلماسی ایالات متحده، تصمیم‌گیریهای ضد و نقیض دولت کارتر، پیرامون فروش جنگ افزار و تجهیزات نظامی به ایران بود، که رکورد تازه‌ای پیدا کرد و به ۱۱ میلیارد دلار رسید!

در سال اول حکومت کارتر، دلایلی هم برای خوشنودی شاه از روش دولت جدید آمریکا، و هم نشانه‌هایی از ابهام و مخالفت با شخص او احساس می‌شد. بازدید محمدرضا شاه از آمریکا در نوامبر ۱۹۷۷ (پاییز ۱۳۵۶) به رغم تظاهرات ۴۰۰۰ نفری مخالفان ایرانی او با شعارهای: مرگ بر فاشیست! مرگ بر امپریالیسم آمریکا! و طرفداران ۱۵۰۰ نفری وی با شعار: زنده باد شاه! در مقابل کاخ سفید، با مذاکراتی که با پرزیدنت کارتر به عمل آورد، سازنده و امیدبخش توصیف شد. سران دو کشور، در مذاکرات خود از پیوندهای ناگسستنی بین دو کشور و اتحاد نظامی آمریکا و ایران، سخن

→

نیروی دریایی؛ ۴ فروند رزمناو ۸۰۰۰ تنی مجهز به موشک انداز دریا به دریا، با سرعت ۳ «ماخ»؛ ۱۲ فروند ناوشکن ۳۰۰۰ تنی با موشک «Harpoons» که به فرانسه و هلند سفارش داده شده بود؛ ۱۲ فروند ناوچه Combatant IIs (سفارش به فرانسه)؛ ۳ فروند زیردریایی آمریکایی (قبلاً سفارش داده شده بود)؛ ۹ فروند زیردریایی که قرار بود به آلمان غربی سفارش داده شود؛ ۵۰ فروند هلی‌کوپتر دریایی؛ ناوگانی شامل کشتیهای نیروبر و تانکرهای سوخت‌رسانی. این ناوگان، ضمن حضور در خلیج فارس می‌توانست در سواحل اقیانوس هند دریانوردی کند. چند فروند هواپیمای اکتشافی دور پرواز «اوریون» ساخت Lockheed، که ضمن همکاری با نیروی هوایی، مأموریتهای دریایی انجام می‌دهد.

در زمینه تهیه انواع موشکها و مهمات، کارخانه‌های دولتی از لحاظ ظرفیت تولید تا سطح تأمین نیاز نیروهای مسلح و نیز تکامل تکنیکی، توسعه می‌یافت.

گفتند؛ شاه قول داد در اجلاس آینده اوپک، از افزایش بیشتر قیمت نفت جلوگیری کند. کارتر نیز وعده کرد برنامه ارسال سفارشهای ۱۲ میلیاردی تسلیحاتی ایران با مشورت کنگره ادامه یابد.^{۱۲}

احساس شادی و امیدواری شاه در سفر به آمریکا و گفتگوهایش با پرزیدنت کارتر، دیری نپایید. واگذاری هواپیمای آواکس به ایران، با مخالفت شدید اعضای کنگره آمریکا مواجه شد، زیرا کارتر، از بیم مخالفت سناتورها، پیشنهاد فروش هواپیماها را پس گرفت. ارسال هواپیماهای اف - ۴ نیز به لحاظ ادوات الکترونیکی بسیار پیشرفته آن، که شاه مدتی قبل درخواست خرید یک اسکادران آن را کرده بود، همچنان معوق ماند. این هواپیماها، معروف به «راسوی وحشی» در سال ۷۴ - ۱۹۷۳ به دولت اسرائیل واگذار شده بود و در جنگ یوم کیپور در مقابله با هواپیماها و موشکهای شوروی، کارآیی خود را به اثبات رسانیده بود. شاه برای دستیابی به آن، قبل از مسافرت به آمریکا اقدام کرده بود. در مذاکرات با کارتر در پاییز ۱۹۷۷ در واشینگتن دستیابی به این هواپیما برای او، نسبت به دیگر درخواستهای تسلیحاتی، اولویت داشت. با این حال، ایالات متحده مایل نبود ایران دومین کشور دارنده این هواپیماها، بعد از اسرائیل باشد و این موضوع موجب نگرانی بیشتر شاه گردید.

مذاکرات ایران و ایالات متحده، درباره واگذاری هواپیماهای اف - ۱۴ تا اوایل ژوئیه ۱۹۷۸ (تابستان ۱۳۵۷) ادامه یافت. سرانجام، کارشناسان وزارت دفاع آمریکا از درخواست ایران پشتیبانی کردند. هارولد براون، وزیر دفاع طی یادداشت دو صفحه‌ای، به عنوان رئیس جمهوری موافقت پنتاگون را با آن معامله اعلام کرد. کارتر، موضوع را با سائروس ونس، وزیر خارجه در میان گذاشت، ولی ونس با پیشنهاد فروش هواپیماهای مزبور به ایران مخالفت کرد.

در همین اوان، دیوید نیوسام^{۱۳} معاون وزارت خارجه آمریکا در تهران بود و تصمیم رئیس جمهوری آمریکا مبنی بر خودداری از فروش هواپیماهای اف - ۱۴ به ایران، یکی دو ساعت قبل از ملاقاتش با شاه، طی پیام تلگرافی به او ابلاغ شد. نیوسام، با ابراز تأسف، شاه را از آن خبر ناخوشایند، آگاه ساخت.^{۱۴} در این موقع محمدرضا شاه، دریافت که سیاست ایالات متحده آمریکا نسبت به ایران تغییر کرده است. وی محتملاً،

12. Washington Post, Nov. 18, 1977.

13. David Newsom — 14. Debacke, p. 85.

این واقعه را سرآغاز بحران روابط ایران و آمریکا و پایان پشتیبانی واشینگتن نسبت به خود تلقی کرد. از تابستان ۱۳۵۷، با شدت یافتن ناآرامیها و تداوم تظاهرات ضد شاه مسئله فروش جنگ افزار به ایران تحت الشعاع قرار گرفت. طوفان انقلاب فراگیر شده بود، و موضوع فروپاشی رژیم شاه در میان بود...

نتیجه

بدون تردید، تقویت نیروهای مسلح کشور مستلزم خرید جنگ افزارهای مدرن و آشنا ساختن کادر ارتش به طرز استفاده و کاربرد سلاحهای جدید بود. اعزام افسران در درجات مختلف به خارج از کشور، برای طی دوره های آموزشی و کسب اطلاعات و تجارب نظامی و آشنایی با دکرترین نظامی ارتشهای بزرگ جهان نیز ضرورت داشت. اما آنچه طی پانزده سال پیش از انقلاب سال ۱۳۵۷ برای توسعه و تکامل نیروهای مسلح کشور، تحت عنوان برنامه خرید جنگ افزار صورت گرفت، بیش از ظرفیت توانایی ایران بود و با دیگر نیازمندیهای اجتماعی و عمرانی کشور تناسب و هماهنگی نداشت.

در بخش «نقش ارتش در شکست نهضت ملی ایران» ساختار «ارتش شاهنشاهی» و خصلت «غیرمردمی» بودن نیروهای مسلح را به اجمال شرح دادیم و گفتیم که ارتش و نیروهای دفاعی، ابزاری بود به منظور سرکوب هر نوع حرکت و جنبش آزادیخواهانه در دست شاه. از اوایل دهه ۷۰ (۱۳۵۰) ارتش ایران، براساس «دکرترین نیکسون» مأموریت حفظ منافع دولت ایالات متحده را در منطقه خلیج فارس، بی آنکه در برابر امتیازی دریافت کند، به عهده گرفت.

طی بیست و پنج سال پس از کودتای خائنانه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، بیش از سی درصد درآمد مملکت به بودجه ارتش اختصاص داشت. در برنامه های عمرانی کشور نیز مبالغ معتناهی صرف احداث پایگاههای نظامی (چاه بهار، بندرعباس، بوشهر)، همچنین نوسازی بنادر و فرودگاههای کشور گردید. طی این مدت مبلغی بالغ بر ۲۵ میلیارد دلار، جنگ افزار و وسایل مدرن برای ارتش خریداری شد، میلیاردها دلار سفارشات جدید داده شد. در اواخر دهه ۷۰، نیروهای مسلح ایران از لحاظ وسعت سازمان و کارایی رزمی، ظاهراً دومین قدرت (پس از اسرائیل) در خاور نزدیک و خاورمیانه شناخته شده بود.

«مردمی» نبودن ارتش و اتکا به حمایت ایالات متحده آمریکا، منجر به فروپاشی کامل نیروهای مسلح ایران در جریان انقلاب ۱۳۵۷ گردید. وابستگی ارتش به آمریکا

از لحاظ تأمین قطعات یدکی، آموزش و نگاهداری وسایل جنگی نیز موجب شد که هنگام تهاجم ارتش عراق به ایران، دهها هواپیما، صدها تانک و هزاران ماشین جنگی، غیرقابل استفاده بماند. در پایان شهریور ۱۳۵۹ ارتش رژیم بعث عراق، به رهبری صدام حسین، به ایران حمله کرد و قسمتهای وسیعی از خاک کشور را اشغال کرد. هرچند مردم ایران، برای دفاع از خاک میهن بسرعت بسیج شدند و با وارد ساختن ضربات سهمگین، دشمن متجاوز را سرکوب و از ایران بیرون کردند ولی جنگ هشت ساله برای کشور و مردم ایران به بهای بسیار گرانی تمام شد که بخشی از آن مربوط به وابستگی ارتش ایران به زرادخانه ایالات متحده آمریکا بود. بحث درباره علل فروپاشی نیروهای مسلح ایران و نیز تحلیل جنگ ایران و عراق و نبردها در مراحل مختلف و نتایج آن، در چارچوب این کتاب نمی‌گنجد و مستلزم بررسی و تحقیق وسیع و همه‌جانبه، در آینده است.

www.KetabFarsi.com

مجموعه اشعار

اعلامیه

باتوجه به نظریات آقای دکتر مصدق - رهبر انقلاب نهضت ضد استعماری ملت ایران - که در نامه های اخیر ایشان به سازمانهای اروپائی جبهه ملی ایران منعکس است و باتوجه به مصوبات کنگره (فوق العاده) سازمانهای اروپائی جبهه ملی ایران (۱۹۶۵) و کنگره هفتم جامعه سوسیالیست های ایرانی در اروپا (۱۹۶۵) جنی برلنر و اتحاد تشکیلاتی کمیته نیروهای ملی و ضد استعماری ایران ، هیأت اجرائی گسترده سازمان های اروپائی جبهه ملی ایران و کمیته مرکزی جامعه سوسیالیست های ایرانی در اروپا بدین وسیله وحدت تشکیلاتی سازمان های مزبور را اعلام می دارند .

جامعه سوسیالیست های ایرانی در اروپا ازین پس عضو سازمانهای اروپائی جبهه ملی ایران بشمار می آید .

اروپا - چهارشنبه ۲۳ ژوئن ۱۹۶۵

از طرف کمیته مرکزی
جامعه سوسیالیست های ایرانی در اروپا

xxx

امیر پیشدار

از طرف هیأت اجرائی گسترده
سازمان های اروپائی جبهه ملی ایران

xxx

دکتر حسن بنی صدر

حسن حبیبی

صادق قطب زاده

نامه پاری

شماره اول

اردیبهشت ماه ۱۳۳۸ - ماه ۱۹۵۹

دوره اول

بسیار ابعاد وحدت و هم بستگی

بوجب آماري که اخیراً سرپرستی کل دانشجویان منتشر نموده است، در حال حاضر بیش از هفت هزار دانشجوی ایرانی در اروپا به تحصیل در رشته های گوناگون مشغولند. این دانشجویان نه همان با جریان های فکری و علمی و اجتماعی زادگاه خود ارتباط مستقیم و تماس کافی ندارند، بلکه غالباً خیلی پراکنده و جدا از هم پسر می برند و از مشکلات و افکار و هدف های کنونی و آتی یکدیگر بی خبرند. برخی چنان در دریای تمدن غریب فرو شده اند که کشور خود را - و احتیاجات آن را، امکانات آن را، آنچه را که در آن می گذرد و این نکته را که بهر صورت آینده آنها بستگی تام و تمام با سرنوشت ایران دارد - بکلی از یاد برده اند و دیگران هم که علاقه ای به نزدیکی و همکاری و بحث و گفتگو و تبادل افکار ندارند، وسیله ای برای رسیدن به این مقصود نمی یابند.

برای ایجاد وحدت و هم بستگی فکری و صنفی بین صوم دانشجویان ایرانی در اروپا - که بی گفتگو بجز بزرگی از سرمایه علمی و فنی آینده ایران را تشکیل می دهند - از مدت ها پیش ضرورتی به بررسی آمد پیوندی معنوی برقرار شود تا به آن وسیله جوانان دانشمند ایران از افکار و مشکلات و نگرانی های یکدیگر آگاه شوند و مسائل علمی و فکری و هنری جهان امروز و احتیاجات فنی کشور خود و مسائل سرنوشت ایران و اجتماعی آن را به بحث و گفتگو گذارند و مشترکاً برنامه ای برای بهبود زندگی و میسر ساختن ادامه کار علمی و فنی خود در ایران فردا بوجود آورند.

مجله حاضر که بهمت اتحادیه دانشجویان ایرانی در فرانسه و با همکاری صمیمانه اتحادیه های

متن اعلامیه حضرت حجة الاسلام والمسلمین حضرت آية العظمى آقای خمینی ادام الله ناله علی رؤوس المسلمین بمقام بیت چهارم فاجعه قم

بسم الله الرحمن الرحيم

چهل روز از مرگ و ضرب و جرح عزیزان ما گذشت، چهل روز است بازماندگان کشتگان مدرسه فیضیه بر عزیزان خود سوگواری میکنند. دبر روز بدر قد غیبه مرحوم سید یونس رودباری که آثار عظمت و هیبت، چهره اش را در هم شکسته بود به ملاقات من آمد. بایه زبان می شود مادرهای فرزندان مرده و پدرهای غمخیز را تسلیت داد.

باید به پیغمبر سلام صلی الله علیه و آله و امام عصر عجل الله تعالی فرجه عرض تسلیت کرده مابرای خاطر آن بزرگوار بن سبلی خود دیم. جوانان خود را از دست دادیم، جرم محاصرت از اسلام و استقلال ایران است، مابرای اسلام اینچه اهانت شده و می شویم، مادران انتظار حبس و زجر و اعدام نشسته ایم، بگذار دستگاه جبار هر عمل غیر انسانی که می خواهد بکند، دست و پای جوانان ما را بشکند، مریضهای ما را از مریضخانه ها بیرون کند، ما را تهدید بقتل و هتک اعراض کند، مدارس علم دین را خراب کند، کبوتران حرم اسلام را از آشپزخانه خود آواره کند، در این چهل روز ما نتوانستیم احصایه مقتولین و مصدومین و غارت شدگان و اذیت بدست بیاد دیم، نمی دانیم چند نفر در زیر خاک و چند نفر در سیاه چالهای زندان ها و چند نفر در پنهانی بسر می برند، چنانکه بعد از سالهای دراز عدد مقتولین مسجد گوهرشاد را که با کامیونها حمل کردند ندیده ایم. اشکال بزرگ آن است که بهر دستگاهی رجوع می شود می گویند: اینجا که شده است یا مرا علیه حضرت است و چاره ای نیست از نخست وزیر تارخیس شهرانی و فرماندهان قم می گویند: فرمان مبارک است. می گویند: جنایات مدرسه فیضیه بدستور ایشان است، بدستور علیه حضرت مریضها را از مریضخانه بیرون کردند، دستور ایشان است که اگر در جواب حضرت آية الله حکیم، کاری انجام دهید، کماندها و زنها را بجای و ابنازل شاهان بریزیم و شاهان را بکشیم و خانه هانان را غارت کنیم. دستور علیه حضرت است که بدون مجوز قانونی طلاب را بگیریم و پلیس سر بازی را آوریم، دستور علیه حضرت است که به دانشگاه بریزند و دانشجویان را بکشند.

مأمورین تمام قانون شکنی ها را بشاه نسبت می دهند، اگر اینها صحیح است، باید فاتحه اسلام و ایران و قوانین و اخوانه، و اگر صحیح نیست و اینها بدروغ جرمها و قانون شکنی ها و اعمال غیر انسانی را بشاه نسبت می دهند، پس چرا ایشان از خود دفاع نمی کنند تا تکلیف مردم یاد و کثرت روشن شود و اعمال جرمها بشناسند و در موقع مناسب بسزای اعمال خود برسازند؟

کراوات نداده ام که این دولت سوهنیت داشته و با احکام اسلام مخالف است. نمونه های آن یکی پس از دیگری ظاهر می شود، وزارت دادگستری دولت با طرحهای خود و انشاء اسلام و رجوعیت از شرائط تضاد مخالفت خود را با احکام مسلمة اسلام ظاهر کرد از این بیمد باید در اعتراض نفوس مسلمین یهود و نصاری و دشمنان اسلام و مسلمین مخالفت کنند. منطبق این دولت و بعضی اجزاء آن معمو اسلام است تا این دولت خاصه یافعی سرکار اسمحسین روز خوش بخواهند دید.

من نمی دانم اینچه بی فرهنگی و جنایات برای نفت قم است و جوژه حلیه باید فدای نفت شود یا برای اسرائیل است، و عملاً در احاطه پیمان با اسرائیل دولت اسلامی می دانند؟

در هر صورت ما باید تابو دشویم، اسلام احکام اسلام و غنای اسلام باید فدا شوند، دستگاه جبار گمان کرده است با این اعمال غیر انسانی و غنایها می تواند ما را از مقصد خود که جلوگیری از ظلم و خود سربها و قانون شکنی ها و حفظ حقوق اسلام و ملت و بسر قراری عدالت اجتماعی که مقصد بزرگ اسلام است منحرف کند.

ما از سر بازی فرزندان اسلام هراسی نداریم، بگذار جوانان ما بسربازخانه بروند و سربازان را تربیت کنند و سطح افکار آنها را بالا ببرند، بگذار در بین سربازان، افراد روشن ضمیر و آزادمنشی باشند تا بلکه بخواست خداوند متعال، ایران با آزادی و سربلندی نائل شود. ما می دانیم که صاحب منصبان معظم ایران، درجه داران محترم افراد نجیبه ارتش با صدور این مقاصد همراه، و برای سرافرازی ایران فداکار هستند. من می دانم درجه داران با وجدان

راضی باین جنایات و وحشیگریها نیستند، من از فشارهاییکه بر آنها وارد می شود مطلع و متأسفم من بآنها برای نجات ایران و اسلام دست برادری می دهم، من می دانم قلب آنها از تسلیم در مقابل اسرائیل مضطربست، و راضی نمی شوند ایران در زیر چکمه یهود پا بسال شود.

من بمران ممالك اسلامی و دول عربی و غیر عربی اعلام می کنم: علماء اسلام و زعمای دین و ملت دیندار ایران و ارتش نجیب بادول اسلامی برادراست و در منافع و مضار خودش آنها است و از پیمان با اسرائیل دشمن اسلام و دشمن ایران متنفذ و منزجر است اینجانب این مطلب را بصراحت گفتم، بگذارد حال اسرائیلی بزندگی من خانه دهند.

مناسب است، ملت مسلمان در ایران و غیر ایران، روز چهلم فاجعه بزرگ اسلام، پادی از مصیبت های وارده بر اسلام و حوزه های اسلامی بکنند و در مورد نیکه حال دولت مانع نشوند مجالی سوگواری داشته باشند و بر مسببین این فجایع نفرین کنند.

روحانیه الموسوی الخمنی

۱۱ / اردیبهشت ۴۲

بسم الله الرحمن الرحيم

الذين اذا اصابتهم مصيبة قالوا انالله وانا اليه راجعون

مردم مسلمان غیور و باشهامت ایران و جهان ! ، دانید که یکی از آیات عظام و مجاهدین بزرگ عالم اسلامی را دستگاه جبار از تاریکی شب استفاده کرد. و ایشان را از خانه خود غفلتاً بیرون و بجای نامعلومی برده است ، وقاحت و بی شرمی و جسارت دولت بجائی رسیده که بمراجع وقت حمله میکند خدا گواه است که با این وضع دلخراش زندگی در این مملکت برای ما گوارا نخواهد بود . ملت شرافتمند مبادا از حرارت شماها کاسته شود مبادا از پشتیبانی مراجع عظام دینی داشته باشید

ما بدینوسیله (**هل من ناصر ينصرنا**) گفته و تا آخرین لحظه استقامت خواهیم ورزید خون ما رنگین تر از خون برادر عزیزمان حضرت **آیت الله العظمی آقای خمینی** نیست و مادامیکه ایشان را صحیح و سالم بدست ما ندهند دست از اقدام برنمیداریم و تا آخرین قطره خون خود از حریم اسلام و قرآن دفاع خواهیم کرد و چنانچه در صحن مطهر حضرت معصومه (ع) ما من مسلمین بعموم ملت و طبقات مختلفه عرض کردم که اگر يك موازر عزیزمان کم شود دست با اقدامات دامنه داری زده و انشاء الله تعالی ، نخواهیم گذاشت موئی از سرشان کم شود

حقیر و عموم علمای اعلام و قاطبه مسلمین جهان در تعقیب
این موضوع جداً اقدام خواهیم کرد

انالله وانا اليه راجعون

۱۲ محرم الحرام ۱۳۸۳

شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی

طهران اعلحضرت شاهنشاهی ایران .

حوادث اخیر و دستگیری علماء اعلام سلب راحت عموده
وانزجار خود را از اعمال دولت اظهار میداریم رهایی و اطلاق آیت
الله خمینی و اعلام و جلوگیری از تعدیات و رفتار جابرانه دولت را
جداً خواهیم

الشاهرودی

اعلامیه حضرت آیه... کلبایگانی

بسم الله الرحمن الرحيم

بازداشت حضرت آیه اله آقای خمینی و آیت... قمی و آیت...
محلاتی و سایر علماء و مبلغین بازداشت ملت شیعه و اهانت به مذهب و دین اسلام است
حقیر همانطور که در اعلامیه ۱۳ محرم تذکر دادم انزجار شدید خود را از این
توهینات اظهار و اعلام میدارم مراجع شیعه در مورد مخالفت مقررات اخیر
با احکام شرعیه اتفاق رأی داشته و دارند و انشاء... تعالی باتشربك مساعی
و همقدمی و اتحاد کلمه مقاصد مشروع خود را تعقیب خواهند نمود و فداوی و احکام
ایشان واجب الاتباع است از خداوند متعال نصرت و عظمت اسلام و استخلاص
آقایان و رفع نگرانی‌های مبلغین را مسئلت نموده و امید است همه را برائی که
خیر و اصلاح است هدایت فرماید - تاریخ ۲۷ محرم ۸۳

محمد رضا الموسوی الکلبایگانی

بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله

برادران عزیز ایرانی اهالی محترم مملکت بغداد واقعه شوم و ناگواریان زده خرداد و کشت و کشتار بیرحمانه مردمان حلسا و بی دفاع و توقیف غیرقانونی حضرت حجة الاسلام والمسلمین آية الله العظمی و سائر آیات و جمیع اسلام و ملتین نظام و طبقات مختلف امانی و مومنین تکلیف شرعی اجابت کرده که موافقت در حضرت عید الطیم و عقیقه شرعی را دنبال و تقیید کرده و از امکانات موجوده استفاده نمائیم این مسافرت در آشوب مشغولان داشت ولی با تمام اشکالات و محضرها بالاخره این کار انجام گرفت مقصود از این مسافرت اعتراض بر توقیفهای غیرقانونی و نقیض حدودهای دینی و سیاسی و خلاصی محبوسین عموماً و حضرت آية الله العظمی بالعصم بود استودیویمون قصد و منظور مراجع بزرگ و علماء مسلم از شهرستانهای مسلک نظریه فرما شده و بدین وسیله ثابت کردیم که علماء و بزرگان شیعه وحدت نظر داشته و هیچ نوع اختلافی وجود ندارد در مدت اقامت هر اقدامی که ممکن بوده بعمل آمده و کوتاهی نمانده است البته شرح تفصیل جریانات ممکن نیست لزوم هم ندارد بطور اعتبار و احتمال ایستاد بطریق دیگر که با وضع تشنج موجود نمایی و مذاکره ممکن و یا صلاح نیست و بهجت آماده کردن محیط برای شروع مذاکرات و اظهار موارد اختلاف دو مطلب از طرف روحانیون بعنوان شرط مذاکره پیشنهاد شد :

۱- تمهید دولت يك دولتی که روحانیت بتواند با آن مذاکره نماید ۲- آزادی تمام محبوسین مسلم و غیر مسلم بالعصم حمرات آیات و بالاحسن حضرت آية الله العظمی که از طرف تشنج ناعادی دفع شود و از طرف دیگر محبوسین هم بتوانند در مذاکرات شرکت نمایند . متأسفانه پیشنهاد مربوط به صورتی که ما خواسته بودیم عملی نشد و نتیجه آن شد که جمعی از علماء عظم و ملتین محترم و مردمان دیگر آرد شدند ولی مع الاسف هنوز حضرت آية الله العظمی و آية الله العظمی و آية الله العظمی در زندان پسر میراند و از قرار مسجوع نظر تبعید در حق آقایان مسلم دارد امتناع این مطلب موجب نهایت نافر و تأسف است مورد اعتراض و مخالفت ما بود و خواهد بود هیئت حاکمه هنوز نمی خواهد این حقیقت را درک کند که اصرار و پافشاری در اعمال مقرراتی برخلاف موازین اسلام و ادامه توقیف شخصی مانند حضرت آية الله العظمی و جمیع دیگر از بزرگان روحانیت و طبقات دیگر مردم روز بروز بر وضعیت اوضاع و نظرت عمومی عیانتر و فاصله و شکاف را عمیق تر می سازد .

در اینجا مناسب میدانم که توجه عموم را بنگار ذیل جلب نمایم :

۱- حضرت آية الله العظمی و آیات دیگر هیچ جرمی بهر از تبلیغ احکام اسلام و توجیه دادن مردم بطریقائی که نسبت به اسلام یا مملکت پستی پستی معصومه نداشته و ندارند .

۲- مطابق مفهوم اصل دوم متمم قانون اساسی طایفه طراز اول مصونیت داشته و توقیف و تبعید آنان مخالف با قانون است زیرا که طایفه طراز اول در قرآنی که از مجلسین بگذرد (از نظر موافقت یا مخالفت شرع) حق رد و قبول را ندارند و بنابراین در مقامی فوق مجلسین قرار گرفت و ساکن بر هیئت قانون گذاران میباشد در جایی که و کلام و با هیئت مقننه مصونیت داشته باشند آیا ممکن است حکام شرع که قانوناً حاکم بر مجلسین هستند مصون نباشند ؟

با ملاحظه مراتب فوق لازم است مرجه دوم در حضرت آية الله العظمی بدون تبعید و در طراز اول شده و دفع مراجع نمایند و بدانند که احکام این مصونیت قابل تعلیل نبوده و از اظهار مخالفت بهر نحوی که ممکن شود خودماری ندارند عد ۴ - مادر تطهیر باقی هندیهایی دینی در هر فرستنی که ممکن شود خودداری نخواهیم کرد و از تمام امکانات موجود استفاده خواهد شد و اگر چه دستگاههای تبلیغاتی هنوز پیروده تلاش میکنند که بهار ذات اصولی و میل جامعه روحانیت در راه حقا مقدمات اسلام و احیاء قانون اساسی رنگارنگ و مخالفت با اصلاحات را بپذیرند ولی به خدا و البته این تلاشها بجائی نرسیده و تقریباً تمام افراد چه در داخل و چه در خارج مملکت متوجه این هدف مقدس شده و میدانند که روحانیت هدفی جز حفظ احکام اسلام و احیاء اصول آزادی و سلوکگیری از هر گونه تجاوز به حقوق مردم ایران که در قانون اساسی پیش بینی شده ندارند و در اعلامیه ۱۲ محرم این حقیقت مفروضاً بیان شده و بعداً تالی در خارج مملکت انتشار یافت و نشد تبلیغات مسجود را بشی بر آب کرد .

۳- روحانیت شیعه از تمام نهادهای نظامی و امنیتی مستند مراجع شیعه با هیچ دولتی ارتباط ندارند و با مالکین بزرگ ارتباط ندارند با هیچ جرمی وابسته کی ندارند و بعداً تالی حوز حزب قوی و مستقل هستند و اکثریت مملکت پختیان آنهاست و بر نامه آن ها فر آن مسجد و وحدت شریعت است الاکن حزب الله هم العالمیون تحت تأثیر هیچ قدرتی و یا شخص واقع نمیشوند و هیچ نوع اختلافی باهم در مورد مبارزات اصولی و مجاهدات دینی ندارند .

۴- بطوریکه اطلاع دارید علماء و روحانیون بزرگ شهرستانها که برای پختیانی از خواستهای مراجع دینی و پاسخ دادن بگفته کسانی که میکنند روحانیون اختلاف نظر دارند بر کز تخریب فرما شده اند ولی متأسفانه اخیراً از طرف اداره مربوطه تحت فشار قرار گرفته اند و آنها را الزام کردند که اخبار اعمالهای خود بوقت نمایندگی این که همکار آنها را بهرامی مأمورین مسلح به سلاحهای خود اهرام نموده و این الزام بدون جهت بدون دلیل مخالف با اصل آزادی و مسکن است و معلوم نیست که اولیا مأمور چه دلیلی این حق را بر خود قائل شدند که از دیگران سلب آزادی نمایند حای نجاست که اولیا مأمور در چنین محیطی که مطبوعات تحت فشار و اجتماعات حنی مجالس سوگاری حضرت حاس آل عبا (ع) تحلیله گویند گان مفسرین صنوع و تفسیرهای برجسته روحانی و غیر روحانی در زندان بکرا انتظارات با اصطلاح آزان افتاده است و انشاء الله تالی بر طبق خود نظر خود را در این باره به اطلاع خواهم داشت .

۵- خانوادهای را که در قاجیه ۱۵ خرداد داخل شده و مسجود شده اند لازم است که مومنین بهر نحو که میسر شود مراعات نموده و در پیگیری کامل فرمایند .

۶- حضرتان و حفاظ و ملتین دینی که مشمول مجاهدت دینی بوده و در ارشاد و هدایت مردم کوتاهی نکرده اند لازم الاحترام هستند و هر مومنین و علاقه مندان لازم است که از هر نوع تجلیل و تقدیر و تشویق درباره آنها مضایقه فرمایند در خاتمه نظر اسلام و مسلمات و توفیق تمام مسلمانان را از خداوند متعال خواستارم والسلام علیکم ورحمة الله

در بیع المولود ۱۴۸۴ الاخر سید کاظم شریعتی مدنی

اعلامیه شماره ۲ حضرت آیت الله العظمی آقای میلانی

دام ظلّه العالی

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت مسلمان مستعبد به ایران

پس التوقیف حضرت حجت الاسلام والمسلمین آیت الله خمینی دامت برکاته و دیگر آیات و شخصیت‌های دینی و ملی و جنایت هولناک دوازه محرم (پانزدهم خرداد) و قتل و غارت مردم مظلومیکه برای مقاومت در مقابل ظلم قیام نموده بودند همانطور که اطلاع دارید به منظور دادخواهی و دفاع از مصالح اسلامی و اجتماعی شما ملت و همچنین برای اعلام عقیدتی شخصیت‌های بزرگ روحانی از هر گوشه مملکت به ایران حرکت کردند موسسین حکومت ظلم برای رحائی از نتایج خشم و قهر عمومی ملت با نظام‌های منافقانه و تیرد از انجام شرایط اولیه روحانیت برای شروع در مذاکرات‌السیاست دفع الوقت استفاده میکند و با کمال ناجوانمردی به منظوری تضعیف روحیه افراد ملت دست به جنایت دیگری زده با ادامه توقیف‌های غیر قانونی و احوال شکنجه‌های ضد انسانی صفحه سیاه دیگری به صفحات تاریخی جنایت خود می‌افزاید اکنون همه روزه خانواده‌هایی بمن مراجعه میکنند که تنها نان آورشان را حکومت پلیسی بزدان کشتیده و اما است که در بریتانی پس می‌برند مادران و پدران با چشم اشکبار بمن می‌گویند در خیماں حکومتی جگرگوشه‌های آنانرا زیر انواع شکنجه فرار داده و اطفال مصوم بی‌گناه را که بهر کیش و آئینی مصومند به سیاه‌چال‌های زندان انفرادی میکشند و نمیگذارند کسی از سرنوشت غم انگیزشان مطلع شود اخیراً مطلع شدم که سخت ترین وضع را برای طبقه تحصیل کرده و مخصوص اعضای انجمن‌های اسلامی دانشگاه فراهم کرده‌اند بعد از قسم که مرگ شرافتمندانه از ادامه زندگی در چنین محیطی بهر انت انت بخش نمی‌ماند اکنون طبق اظهار افرادیکه خود را بنام واسطه معرفی می‌کنند چنین بنظر میرسد که حکومت فردی در صدد تبعید کردن حضرت آیت الله خمینی و آیت الله قمی و آیت الله میلانی بوده و تصمیم دارد بعضی شکنجه‌های رجال ملی و جوانان مسلمان مملکت ادامه دهد عجب تر آنکه در صدد نهدید و ارباب برآمده احتیاط میکنند که ملامت بزرگی که به ایران آمده اند فوراً باید تهران را ترک کنند و گرنه با هدیت عدل مجددی روبرو خواهند شد بلکه مردم ظالم نمیتوانند تصور کنند که انسانی را اسان دیگر به خاطر حق‌گویی و هدف دینی و انسانی مشترک حمایت کنند بهر حال گسترش محیط جنایت از طرف زمامداران فعلی این نکته را مسلم می‌سازد که جنایتکاران از جنبش ملت مسلمان سخت در هراس افتاده میخواهند در زیر سایه تمیید بزرگان دین و توقیف و شکنجه مردمان حقگو و آزاده انتصافاتی از نوع دوره ۱۹ و ۲۰ انجام داده و باز برای مدتی به ظالم خود ادامه دهد ولی من الطرف ملت ایران به جنایتکاران اخطار میکنم ۱ ملت ایران هیچ وجه با تبعید شخصیت‌های مثل آیت الله خمینی و دیگر علمای بزرگ مواظقت نخواهد کرد و اجازه چنین تجاوزی را نمیدهد ۲ برای ملت ایران ادامه توقیف و شکنجه و حال و افراد صالح دیگر قابل تحمل نبوده و باید باین جنایات خاتمه دهند ۳ ملت مسلمان در مقابل ستم و فحاشی و انتصافات فحاشی مقاومت خواهد کرد و اجازه نخواهد داد حقیقه سالها از او سلب کرده‌اند باز در اختیار دیگران قرار گیرد بلکه میدانم از همان اکنون برای درهم شکن مقاومت مردم مسلمان نفقه ها طرح کرده و اجرا میکنند ولی تمیید بنظر مباشرین از خدا بی‌خبر این جنایات را عاقبت بدکار خود نمی‌توانند و نمی‌دانند که خدای قهار از مردم ظالم انتقام خواهد کشید چند روز بود فکر میکردم با نشان دادن پدنیهای شلاق خورده شکنجه شده و با معرفی اطفال یتیم و هزاران خانواده بی‌سرپرست شده یکسانیکه بنام دادستان خوانده میشوند اعلام جریمه ملی بآمر که مشورت کردم گفتند در تمام این مراحل از صدر تا ذیل فقط يك قانون حکومت میکند و آن قانون المأمور مدعور است ناچار از شکایت قانونی چشم پوشیده و شکایت ملت مظلوم را بخدا میبرم من مستمران این مملکت اعلام میکنم که اشک نیمه شب مادران داغیده و کودکان یتیم و حبوسین بیگناه ساختن آنها و کال‌های مرتفع را درهم خواهد ریخت و اگر مظلوم دادخواهی پیدا نکرد خدای بزرگ حمایتش خواهد کرد حضرت سیدالشهداء علیه السلام و او و حنانه الفداء در لحظات آخر روزهاشورا و فرزندی حضرت علی ابن الحسین (ع) وصیت فرمود که یا بنی‌هاک و ظلمین لا یجد علیک ناصر الا الله ای سر که من بترس از ظلم کردن بدان کسی که جز خدا یار و یابری ندارد اکنون من به بنوسیله از تمام مسلمین جهان بلکه از تمام اسانهای با شرافت دنیا برای حمایت از ملت مظلوم ایران از خانواده‌های بی‌سرپرست از پدران و مادران داغیده از کودکان یتیم از محبوسین بیگناه تقاضای کمک میکنم و پناه همه مظلومان خدای بزرگ است و شما ملت توسعه میکنم قبل از هر چیز لازم است بنادیده‌ها بلکه سرپرستان کشته شده و باز زندانی میباشد توجه دستگیری قوری کنید البته هر کس بتقد توانائیش و از خدای بزرگ توفیق ملت مسلمان ایران را خواستارم و امیدوارم با توجه مخصوص حضرت ولی عصر ارواحنا فداه این شام تیره صبح روشن مبدل گردد و عدل الهی امنوا و عملوا الصالحات لیستقلقنهم فی الارض کما استقلف الذین من قبلهم ولیکن ایه دینهم الذی ارتضی لهم ولیبدلنهم من بعد خولهم امنا

تهران - محمد هادی الحسینی المیلانی

۴۲۵۵۲ سوم دی ماه المولد ۸۳

Le Monde (Paris)

LETTRE D'IRAN

Les graves manifestations de Téhéran
ont ébranlé le pouvoir du chah

(Correspondance particulière)

Téhéran, juillet. — Les jours d'émotions du mois dernier sont encore présents à l'esprit de tous. Chacun se souvient, dans les quartiers sud, comment à tel endroit on a tiré à la mitrailleuse, comment on a chassé les automobilistes à coups de marteau. Les rues populaires sont, comme d'habitude, animées et en même temps silencieuses. Tout est calme en apparence — on fait l'acquisition et l'horreur de la répression prédomine. On ne commémorait peut-être jamais le nom du chah. Dans l'esprit de la foule il y en a eu des milliers.

L'explication la plus fréquente est donnée de la révolte est celle d'une protestation contre l'oppression. Téhéran regorge de chômeurs, paysans sans terre, qui partent en hiver et reviennent en été, espérant du travail dans le bâtiment, dans les briqueteries, comme manœuvres. Le cri qui est sorti depuis plus de deux ans est de pousser du ruban les petits commerçants et les artisans du Bazar. Les rumeurs circulent sur la corruption qui règne dans de hautes sphères.

A sa manière pourtant la révolte tente une modernisation du pays. Il y a quatre ou cinq mois les masses priées en vue de la réforme agraire paraissaient ébahies. D'après l'opinion de la rue c'est l'Amérique américaine qui les avait inspirés. Quel qu'il en soit une explication plus précise peut être donnée. Périodiquement, au Iran, le chah se livre à une série de fêtes et de fêtes d'état. Ici et là, les manifestations, les fêtes sont, mais le gendarme est tout le premier ennemi du paysan, plus généralement que le propriétaire. Pour cette raison, entre autres, l'oppression déchaîne et le chah réapparaît comme « protecteur » de ses villages. Mais la révolte, le parti pris, l'insurrection, qui pénétrèrent l'Iran, revêtent à un moment donné une signification. Une de ces périodes du chah est celle de Ném Chah : le mouvement actuel semble avoir une signification. Une fois vingt ans de régence, son ministre de l'agriculture, M. Akhundjani, avait imposé un véritable dynamisme aux services de la réforme agraire et, pour la première fois, le bruit se répandait dans les villages : les gendarmes ont peur — pour de M. Akhundjani. Il n'en a pas fallu davantage pour que l'équilibre instable de ce royaume s'écroule à jamais.

Le plus radicale du groupe au gouvernement voulait en fait une réforme agraire limitée aux terres les moins fertiles, laissant de côté les exploitations mécanisées, excluant surtout les vergers, pièce très importante de l'agriculture iranienne. Mais les paysans ne l'entendaient pas ainsi. Dans plusieurs provinces, pendant la lettre la parole du chah : « Le terre à ceux qui la travaillent ». Ils revendiquaient justement les meilleures terres et un premier lieu les jardins et les vergers. D'autre part tous les propriétaires, les de la, n'étaient pas soumis à la réforme, et pas davantage toutes les terres de chaque propriétaire. Mais, sachant que leurs

voies ne paieraient plus la redevance, les paysans non bénéficiaires de la réforme s'approprièrent à ce jour payer non plus.

En mars M. Akhundjani démissionna et accepta l'ordre de l'ambassade à Rome. Actuellement l'ancien équilibre est en train d'être rétabli dans les campagnes. Les gendarmes n'ont plus peur. Les paysans se taisent, mais s'agitent par la parole magique : « Le terre à ceux qui la travaillent ». Les féodaux sont mécontents (bien qu'ils leur versent d'énormes indemnités s'ils sont expropriés). Les critiques de l'Iran sont vides; certains fonctionnaires ne sont pas payés depuis quatre mois. Le chah a souligné une répression à peu près générale.

L'arrestation

du mollah Khomeini

Le début du mois de juin est marqué par le décès chez les musulmans chiites, qui commémorèrent le martyre de Hussein, troisième imam (chef religieux) de l'Islam. Cette année la ferveur est exceptionnelle. Le Bazar est fermé, des orifèvres sortent descriptifs toute la ville, surtout les quartiers sud, les plus pauvres, les plus traditionnelles également. Des milliers d'hommes, dans la rue ou dans les vêtements du Bazar, se frappent la poitrine, se frappent le dos au son des loures aux lanières garnies d'arabes de fer. Une course farouche se lit dans ce geste : les mains couvertes, les bras haut levés qui tombent de toute leur force au rythme d'une complainte sur la poitrine qu'une chanson s'élève lugubrement ouverte l'ouverture à peine.

Le 3 juin dans la grande mosquée de Qum, ville sainte de l'Iran, le mollah Khomeini prononce un préche violemment hostile contre le chah, qu'il assimile aux assassins de Hussein. On prévoyait ce sermon : des agents de police envoyés aux fidèles interrompent brutalement Khomeini. La violence monte et le mollah, s'adressant « aux musulmans présents », leur demande d'étouffer les agents du chah qui l'ont interrompu. Ceux-ci se taisent, mais le lendemain à 4 heures ils frappent à la porte du mollah. Mais ils s'opposent à leur entrée, ils le tuent et arrêtent Khomeini. Plus d'officiel, bien entendu, dans cette version des événements, mais c'est celle qui est admise par la population. Khomeini est arrêté à 4 heures, et à 8 h. 30 déjà, des manifestations se déroulent à Téhéran, à Tabriz, à Shiraz, à Meshad.

Quel est le sens de ces manifestations? Sans doute ont-elles servi de point de rencontre à toutes les oppositions. L'orifèvre noir du martyre de Hussein (martyr d'il y a treize siècles) était frappé du portrait de Khomeini. Mais on reconnaît des porte-drapeau qui criaient : « Vite Mossadegh ! » Et on leur demandait ce que cela signifiait, ils répondaient : « Khomeini, c'est notre imam; Mossadegh, c'est notre chah ! » Les marchands du Bazar, organisés dans leurs corporations traditionnelles, ont participé aux manifestations. Que ces marchands, que certains mollahs — mais, semble-t-il, ce n'est pas le cas de Khomeini — soient liés aux propriétaires terriens, c'est certain. Il est probable également que, dans la mesure où il y a eu beaucoup de fonds, ceux-ci ont été avancés par les propriétaires. Mais il est non moins vrai que le peuple des quartiers sud, les chômeurs, les petits artisans se sont battus dans la rue et, parmi eux, les sympathisants du parti Tudeh (communiste). Le bain du chah a servi de trait d'union.

Le fossé entre le peuple et le pouvoir s'est approfondi, et seule l'armée a permis de rétablir un certain équilibre. Les principaux mollahs sont en prison, mais la sympathie populaire est avec eux. Le Front national, opposé au chah, qui officiellement s'est tenu à l'écart des événements, n'a pas de véritable programme et semble plus tenté qu'avant. Les étudiants, presque tous partisans du Front national, pourraient servir de ferment à un mouvement révolutionnaire. Mais leur opposition jusqu'à présent ne dépasse guère l'exaspération de l'université. Les ouvriers de Téhéran, groupe trop peu stable, manquant d'une organisation. Il est impossible en fait de prévoir comment le fragile équilibre actuel sera rompu. Mais chacun s'attend à de nouveaux troubles.

A. L.

The Financial Times (London)

THE IRANIAN SCENE

One Round to the Government †

By Our Teheran Correspondent

The Iranian Government has emerged stronger and more popular after the recent head-on clash with right-wing religious leaders and their supporters. The riots have left behind their grim reminders in the looted shops, the smashed windows of government buildings, and the ugly tread marks of lumbering Sherman tanks along Teheran's main thoroughfares. The toll of dead and injured was heavy. Martial law continues in Teheran. But the instigators of the demonstrations are behind bars, and the Government is firmly in control.

There is good reason to believe Government claims that a very major plot had been in the making. The riots were not confined to the capital, but took place in other major cities as well. There was an attempt to take over the radio station, and officials believe that the rioters would have moved on the city's water and electric power supply centres had they succeeded in breaking through police and army lines.

Climax

The riots were the climax to a long and running battle between the clergy and the government. Religious leaders, led by Ayatollah Khomeini, opposed land reform—a central part of the Government's policy—and came out openly against the measure when the reform was extended to include religious endowments. Last November, the Government rescinded a law allowing women to vote in local (but not general) elections under clerical pressure.

After the Farmers' Congress this January, however, the Government pressed ahead with both reforms. Land distribution was extended to include almost all the agricultural land in the country and women were given the right both to vote and run

as candidates in general elections. This sparked off a power struggle between Church and State, and it is probably the feeling that they were fighting a losing battle that forced the clergy to send their men into the streets.

Backfired

The attempt has badly backfired. Religious leaders in Iran can count on a hard core of followers to listen to their exhortations. But the general public was disgusted with the methods employed, and the



Ayatollah Khomeini

resulting loss of life and property. A call for a general strike on June 11 went almost unheeded throughout Teheran; a week after the initial riots, the clergymen found themselves with hardly any public support.

The public reaction appears to have strengthened the Government in its conviction that it is on the right path. On June 9, while tanks were still rumbling through the streets of the capital, the Shah reaffirmed his determination to carry on with land reform and to "liberate our women from their prisons." The massive crowd

bearing his address greeted the pledge with loud applause.

While the political outcome of the riots has been highly satisfactory for the Government, the economic after-effect have been less happy. Surging demonstrators smashing shop windows do not encourage business confidence; the Government has come forward with a generous offer to assist those who have suffered losses to get back on their feet. Those who lost property will be compensated and families which lost wage-earners will be assisted in finding new sources of income. This is certain to allay concern in some quarters, but businessmen can hardly be blamed for feeling anxious about the future.

Military Trial

Besides the economic problem, the Government faces other hurdles in the immediate future. Ayatollah Khomeini and his colleagues are to be tried. Martial law, in fact, appears to have been kept on in Teheran less as a necessary security measure than as a means of ensuring that the clergy receive a quick and efficient military trial. But bringing Khomeini before the judges may rouse his supporters once more. It was his arrest that sparked off the riots in the first instance.

In addition, the Government apparently intends to go ahead with plans for early elections. The administration is in a stronger position to-day than it has been for many years. But it is under pressure from both the right and the left. The left is pressing for reforms. The masses have found a voice, and the demand is becoming difficult to resist. On the other hand, vested interests and reactionary elements have met every reform attempt with street demonstrations. The road ahead will be a difficult one.

روز دوازدهم محرم عزای ملی اعلام میشود

بسم الله الرحمن الرحيم - انالله وانا اليه راجعون - وسيعلم الذين ظلموا انهم قتلوا انهم قتلوا

یکسال از فاجعه خونین دوازدهم محرم ۸۳ (پانزده خرداد ۱۳۴۲) گذشت یکسال از مرگ نجیب فرزندان ملت سپردند یکسال از بی خانمان شدن و بی سرپرست شدن یشمان بی پدر و زنهای بی شوهر و مادران داغداران گذشت. واقعه ۱۵ خرداد ننگ بزرگی برای میث حاکمه بیار آورد. این واقعه فراموش شدنی نیست، تاریخ آنرا ضبط کرد. آیات ملت مسلمان چه چرمی مرتکب شده بود، زنهای و اطوال صبر چه گناهی کرده بودند، چرا آنها را مسلسل بستند، علماء اسلام و خطباء مذهبی چه چرمی داشتند، گناه آنها دفاع از حق بود دفاع از قرآن کریم بود، محرم نصایح مشفقانه و صلاح اندیشی امانت شدند محبس کشیده شدند محصور گردیدند مبتلا مصائب شدند.

علماء اسلام وظیفه دارند از احکام مسلمة اسلام دفاع کنند از استقلال ممالك اسلام پشتیبانی نمایند از استکبارها و ظلمها اظهار تنفر کنند، از پیمان با دشمنان اسلام و استقلال ممالك اسلام اظهار انزجار کنند، از اسرائیل و عمال اسرائیل: دشمنان قرآن مجید و اسلام و کشور برائت جویند از اعدای هر جهت و تبعیضهای دسته جمعی و محاکمات غیر قانونی و محکومیتهای بدون محوز بی زاری جویند، صلاح حال ملت و مملکت را در هر حال سان کنند. اینجا جرم است؛ اینجا ارتجاع سیاه است؛ در این مملکت تمام فرق ضاله آشکارا تبلیغ ضد اسلام میکنند، محافل آزاد دارند معالسی علمی دارند، مسیحین فرستاده در کلیسای انجیلی در تهران دارند، موسسه در کرمانشاه دارند مدارس رسمی دارند، بر خوردار از پشتیبانی دولتها هستند، شرکت خدیویتی آزاد است فقط مسلمانها و مسلمین مذهبی و علماء اسلام آزاد نیستند تبلیغات دینی و بیان قانون شکنیها از تاج سیاه شناخته شده و ممنوع گردیده، محافل دینی و جماع مذهبی محتاج با اجازه شهر بانیها و سازمانها است. دستجات عزاداری بر حضرت سید الشهداء علیه سواة السلام باید محدود و ممنوع باشد ما میدانیم اینجا چه بستگی با اسرائیل و عمال اسرائیل دارند آیا برای مملکت گهن سالی مثل ایران فنگ بست که دولت اسرائیل بگوید ما حمایت از ایران میکنیم، ایران بزرگ تحت الحمایه اسرائیل است؛ آیا خلاف مصالح کشور نیست که مطالب خود ساخته بی سروپایی را در اقواء ملل با نوازند و روزنامه معاد را طرافتی بحث کنند و ضد دولت را بر ملا نمایند این سیاست غلط نیست؛ این نصیحت نیست؛ اینجا ملت را خواب غفلت کردند ما برای دفاع از اسلام و ممالك اسلامی و استقلال ممالك اسلامی و در هر حال میبایستیم، برنامه ما که برنامه اسلام است وحدت کلمه مسلمین است اتحاد ممالك اسلامی است برادری ما جمیع فرق مسلمین است و تمام نقاط عالم همپیمایی با نام دول اسلامی است در برابر جهان مقابل میبایست مقابل اسرائیل مقابل دول استعمار طلب مقابل کسانی که ذخائر این ملت غنیر را برای بکان میبرند و ملت بدخت در آتش همدیگری و بی نوائی میبرد. در حضور چهره های رنگ پریده از گرسنگی و بینوائی و ائمه دولتها و ماز ترفی و پیشرفتهای اقتصادی میزنند این حفاظت تلخ ما را بشک آورده علماء اسلام را رنج میدهد اگر اینها ارتجاع سیاه است نگذار ما رنج بمانیم. ما از واقعه دوازدهم محرم ۱۵ خرداد حجت میکنیم واقعه شوم ۱۵ خرداد و مدارس علمی فنی و غیر آن پشت ما و هر مسلم غیرتمند را میبکشد تا مشت حاکمه چه عقیده داشته باشند ملت اسلام این مصیبت را فراموش نمیکند ما روز دوازدهم محرم را عزای ملی اعلام میکنیم. نگذار ما را مرتجع بگویند که نه پرست هانند ما از عواقب این اعمال جائز ابراهیم خاتم النبیین و نصیحت هشت جا که برای لازم میدانیم و تکرار نصیحت کردیم و غیر و صلاح را گوشزد کردیم و رعایت نفع است ما صلحت میدانیم که دولت رو بهرا نذر دهد سازمانها و نهرومانها را اینقدر بر ملت ستمدیده و بر علماء اسلام و خطباء محترم چیره میکند از این اعمال خلاف فواید اگر میتواند جلوگیری کند علاقه علماء اسلام و ممالك و فواید اسلامی علاقه الهی ناگسستن است، از جانب خدای تعالی ما مورد حفظ ممالك اسلامی و استقلال آنها هستیم و ترک نصیحت و سکوت را در مقابل خطرهایی که پیش رسی میشود برای اسلام و استقلال مملکت جرم میدانیم گناه بزرگ میدانیم استقبال از مرگ سیاه میدانیم پیشوای بزرگ ما حضرت امیر المؤمنین علیه السلام سکوت را در مقابل شتمکاری جایز میدانیم و مانع حایز میدانیم و طبعاً ارشاد ملت است ارشاد دولتها است ارشاد جمیع دستگاهها است ما پایان وظیفه بحوائث خدای تعالی خودداری نمیکیم در این زمان سکوت در مقابل شتمکاری امانت سنگین است وظایف اسلامی و طبعاً ما تنهاییست وظیفه تمام طبقات است و طبعاً مراجع اسلام است و طبعاً علماء اسلام است و طبعاً خطباء اسلام است و طبعاً تمام ملت است و طبعاً تمام ممالك اسلام و ملل اسلام است ما امید و اتق داریم که ملل اسلامی در آنیه نزدیکی را ستمار چیره شود و ما در موقع خود بخواب خدای تعالی از هیچگونه فداکاری دریغ نمیکیم از خداوند تعالی صلاح حال ممالك اسلامی و ملل اسلام و دولتهای اسلامی را خواستاریم

اللهم اجعل ائمة مرادنا تنوی البنا والسلام علی من اتبع الهدی

روح الله الموسوی الخمینی - محمد هادی الحسنی المیلانی - شهاب الدین النحوی المرحوم - حسن الطباطبائی القمی

بسم الله الرحمن الرحيم
بِسْمِ تَعَالَى اِنْ نَمْلِكُمْ اِلَّا فَلَاحُ قَائِلٍ لَّكُم
مجمع
زائیه - ۱۳۳۱

اصول مرامی :

سیاست خارجی :

الف -

- ۱- از آنجا که ملت با سلطان و معتقد با اصول اسلامی میبایست و تأسیسات اسلام بر پایه وحدت عقیده بنا نهاده شده است و از آنجا که نظام سلطنتان جهان برادران هم می باشند و خود را شریک هم و شادی برادران خود میدانند و موظف به همکاری و کمک بهم میباشند ما :
 ۱- با تمام قوا از نهضت ملی و ضد استعماری کشورهای اسلامی به منظور طرد استعمار و ایجاد حکومت مردم بر مردم پشتیبانی می نمایم
- ۲- همکاری صمیم و صادقانه و صمیمانه ای را بر پایه احترام متقابل به منظور توسعه روابط فرهنگی و اقتصادی و سیاسی میان کشورهای آزاد شده اسلامی و تنظیم روشهای واحد و مشترک در مسأله های بین المللی ضروری و لازم میدانیم
- ۳- از جنبش وحدت میب بپسوان طاعل مؤثر رهایی بخش ملیونها سلطان در زیر یوغ استعمار و حکومت های دست نرفته آنها پشتیبانی میکنم
- ۴- تعدیل دولت اسرائیل را یک توطئه صهیونیستی از جانب امپریالیزم و استعمار و دشمنان اسلام و انرا مرکز تفریقات و توطئه های دائم ضد ملی و ضد اسلامی میدانیم معتقدیم باید - بر زمین فلسطین به صاحبان اصلی آن عدت داده شود - هرگونه روابط حسنه ای را با اسرائیل محکوم میکنم

ب -

از آنجا که انسان و آزاده و حق طلب هستیم و غولهای استقلال و آزادی همه انسانها میباشیم :

- ۱- با تمام قوا از نهضت های ملی و ضد استعماری همه ملل جهان به منظور کسب استقلال و برقراری حکومت مردم بر مردم پشتیبانی میکنیم
- ۲- همبستگی و همکاری میان کشورهای آزاده شده جهان را که بر پایه احترام متقابل و همکاری بر مبنای و اعتقادات مشترک باشد برای حفظ استقلال این کشورها و صلح جهان ضروری میدانیم

ج -

و از آنجا که ما صدیقی و طرفدار تر دکتر صدیق صدیقی هستیم و با به کذا راه مبارزات ضد استعماری ملل شرق هستیم و از آنجا که تر به طریقی دکتر صدیقی واقع بینانه ترین راه

حل برای کشورهای مستقل از دایره دولت جهانی است و از آنجا که ما انانهای صلح دوست و خواهان برقراری صلح جهانی هستیم :

۱- بیانیهای نظریه‌پردازان سنتورانه در نفع و سلامت اعضاکنندگان آنها و در نفع صلح جهانی میدانیم.

۲- برای ایجاد تعادل سیاسی و منظور حفظ آرامش و جلوگیری از خطر تنها ماندن در برابر تجاوزات احتمالی ام از نظامی و غیر نظامی انعقاد بیانیهای را که مکی بر مبنای طبیعی و اجتماعی و مقننیت مشترک عنوان باشد نظیر کشورهای بیطرف جهان ضروری میدانیم

۳- سازمان ملل متحد را عامل دوشویندی در حل و فصل اختلافات جهانی دانست و معتقدیم که ملل غیرمتحد جهان در میان دولت‌های جهانی در سازمان ملل متحد میتوانند نقش موثر و بزرگی را ایفا نمایند .

XXXXXXXXXXXX

سیاست داخلی :

الف-

از آنجا که مبارزه ملت‌ها به خاطر استقرار حاکمیت ملی و برخورداری از زندگی

صداقت‌آمیز می‌باشد ما معتقدیم که :

- ۱- رژیم سیاسی کشور را جمهوری و مبتنی بر آزادی و دموکراسی خواهد بود
- ۲- رژیم اقتصادی کشور را یک رژیم سوسیالیستی مکی و مبتنی بر جهان بینی خداپرستی که تأسی و الهام گیرنده از اصول عدالت اجتماعی اسلامی میباشد خواهد بود
- ۳- تحقق امر میان سوسیالیسم و دموکراسی و مبتنی امکان پذیر خواهد بود که زیربنای فکری جامعه را خداپرستی و اصول اعتقادات اسلامی تشکیل دهد

xxx

xxx

ما سیاست های استعماری را در خلیج فارس معکوم و معتقدیم که همکاری و کمک بازار ساختن مردم بحرین و سایر شیخ نشین های خلیج فارس از زیر یوغ استعمار سیاه و فیکه اولیه میباشد .

در ساله اکراد ما معتقدیم آنچه که برای اکراد ایرانی مهم است جدا کردن از ملت خود نمی‌باشد و تحرک آنها بجدادن حاصل عکس العمل در برابر رژیم ضد ملی فعلی میباشد و تا زمانی که تنها اکراد بلکه تمامی ملت‌ها از نعمت آزادی و دموکراسی و حاکمیت ملی محروم هستند ساله اکراد قابل حل نخواهد بود .

پسمه تحالسی

سازمان مفسوران اسلام و صل (سماع)

XXXXXXXXXXXX

سوگند نامه

من که میخوانم در حضور خدا که می شنود خدای بزرگ را کلاه و شاهد
مکرم که پانجه میگویم صادق و راستگو هستم ،
من میگویم تا انسانی فراموشند بوده و در غافل شخصیت انسانی خود و برادران
ایمانی ام جد و جهد نایم " ،
موجب برادرانم را با صلحت و صداقت بگویم و انتقادات آنها را با جبن و دل پذیرف و
بگویم تا موجب خود را مرتفع سازم ،
من بگویم دایم خود برای آنکه موجودی موثر و مفید در جامعه باشم ادا
خواهم داد .
من میام و هدفها و برنامه هلی " سماع " را پذیرف و تحقق و اجرای انها
را تنها راه آزادی و سعادت ملت خود میدانم ،
من کوشش هستی تا پذیر خود را بکار خواهم برد تا منوی غایبه و برجسته در
خدمت " سماع " و بهیضت هدفهای ان باشم .
من میگویم تا تنها دایمیت ها و وظائف معوله خود را به بهترین وجهی انجام
دهم بلکه خود نیز منبع جوشش و الهام و راهنمایی برای مرکز رهبری و سازدنیهای
" سماع " و برادران ایمانی ام باشم .
من در اجرای تعصبات و حفظ اسرار " سماع " و مصالح ان و حفظ جان
و شرف برادرانم تا پای مرگ خواهم ایستاد .

خداوند این یاری ده تا برانجه

کفه ام و بهمان پسه ام استوار بگم .

مسیر انقلاب

۱۳۱۵/۱/۱۰

- یا ایها اکثری حوزی المومنین علی القاتل ، ان یکن مکن مریون ماریون
یملیوا ماکین ، وان یکن مکن ماکینیا أکثا من اکثری کثرا عیانهم
لم لا یملیون - الان خلف الله مکن ولم ان لکم دعاء ، فان یکسن
مکن ماکینیا ماکین وان یکن مکن الله یملیوا اکثری بلان الله
والله مع الطیبهین .
- الله مدنی الله رسول الله بالحق ، الله خلق السموات والارض
المنین ماکین وکم یملیون لا یملیون ، الله ما لم یملیوا یملی
من مریون الله کما یملی .
- بین العربین مریون بالله والهم الاخری مریون ما یملی مریون الله
والمی الاخری الا ایها لیس لکم مریون الله فی وجهه ان
الله مریونهم .

مدنی الله الطیبه

بسم الله

«یا علی اکبر الصوب الاخری الاخری الاخری» کلمه اصبح مریون مریون الله
«یا علی اکبر» الاخری الاخری الاخری الاخری الاخری الاخری الاخری الاخری
«یا علی اکبر» الاخری الاخری الاخری الاخری الاخری الاخری الاخری الاخری
فی القریه من ۱۳۱۵/۱/۱۰ و ۱۳۱۵/۱/۱۰ و ۱۳۱۵/۱/۱۰ و ۱۳۱۵/۱/۱۰
هم الاخری الاخری الاخری الاخری الاخری الاخری الاخری الاخری
فی حقل الیاس الاخری الاخری

- ۱- لیس الاخری الاخری الاخری الاخری الاخری الاخری الاخری الاخری
حکومت الاخری الاخری
- ۲- الاخری الاخری الاخری الاخری الاخری الاخری الاخری الاخری
الاخری الاخری الاخری الاخری الاخری الاخری الاخری الاخری
- ۳- الاخری الاخری الاخری الاخری الاخری الاخری الاخری الاخری
الاخری الاخری الاخری الاخری الاخری الاخری الاخری الاخری

في حقل السياسة الخارجية :

- أ- بناء الأمم المتحدة : التعاون الوثيق مع الشعوب الغير المنطقتين المتحدة :
وكلمة الدول الانوسانية .
- ب- بناء لجنين المنظمات الشعبية ضد الاستعمار في الدنيا .
- ج- تنفيذ سياسات الاعمار والبناء الابحاث : عدم الاعتناء في الصراع العربي بين الكفاح العربي والفرصة ، طرد الاحتلال العسكري الاستعماري عمل الحلف المركزي .
- د- تنفيذ مائة وثلاثين فيساروط مع الشعوب المسلمة في الدنيا .
- هـ- تنفيذ مائة وثلاثين فيساروط والاعمار الوثيق مع الدول الاسلامية المتحررة الديمقراطية الشعوب .
- و- التعاون مع جميع حركات التحرر القومية العربية التي سبيل الوحدة القومية وطرد الاستعمار اسرائيل .
- ز- بناء على ان الدنيا واحد وكلمة واحد وروح واحد فمن نظر اطار العلاقات بين الطامع الاسلامية طامعين القومية القومية ، بان الاختلافات بين القومية والاسلام كل خلاف مصري يجب ان لا تكون طامعين الوحدة القومية كما انه يجب ان لا تكون طامعين الانكسار القومي تحالفا واستقلالها ؟ ونحن نعدل قساري جديدا في سبيل الوحدة الحقيقية بين جميع المسلمين .

والله على ما نقول عليم

والله خير حافظا وهو ارحم الراحمين

محرر السيد مصطفى كمال دكتور فراس علي سليمان دكتور دكتور
() () () () () ()
() () () () () ()

فهرست عمومی اعلام

آریامهر؛ ۴۹	آ
آریان، مهدی؛ ۴۵۷	آبادان؛ ۱۸، ۳۶، ۳۹۱
آریاننا، سپهبد بهرام؛ ۲۸۸	آبراهامیان، اروند؛ ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶
آزادی؛ ۴۵۷	۴۳۰، ۴۸۷
آزموده، سرتیپ حسین؛ ۲۰، ۱۵۲، ۱۷۵، ۲۴۷	آبگوشت ولایتی؛ ۲۰۷، ۲۰۸
آزمون، دکتر منوچهر؛ ۳۱۸	آتن؛ ۵۲۷
آسایش؛ ۱۰۹، ۱۲۵، ۱۲۶	آجودانی، سرتیپ احمد؛ ۱۷۵
آس پاس؛ ۲۹۱	آچسون، دین؛ ۵۱۰، نظریات درباره شاه و برنامه های او ۵۱۲
آسپین، لژ؛ ۵۴۴	آذربایجان؛ ۲۳، ۴۲، ۵۰، ۵۳، ۱۵۰
آستارا؛ ۲۰۴	۱۸۴، ۳۲۴، ۳۸۵
آسیا؛ ۲۹۶، ۵۳۵، ۶۸۲	آذر، دکتر مهدی؛ ۱۸۸، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۱
آسیای جنوب شرقی؛ ۳۴۳، ۴۸۷، ۵۲۴، ۵۲۶	۲۴۳، ۲۵۶، ۲۶۴، ۲۷۱، ۲۷۷
آشتیانی، علیرضا (سیاسی)؛ ۴۱۹	آذر، سرگرد عبدالرضا؛ ۴۵، ۵۲
آشتیانی، محمود؛ ۳۸۲	آذری؛ ۴۵۴
آفریقا؛ ۶۸، ۳۶۳، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۳۲	آرام، بهرام؛ در کمیته مرکزی ۴۰۸، جدائی و نفاق ۴۲۰، ۴۲۴، مرگ ۴۲۸
آفریقای جنوبی؛ ۴۳، ۳۶۳، ۵۲۷، ۵۳۲	آرام، عباس؛ ۱۷۳، ۱۹۹
آقازمانی، عباس؛ ۳۷۴	آرامگاه رضا شاه؛ ۴۱۱
آگاهی، ستوان عبدالحسین؛ ۴۵	آرژانتین؛ ۴۴۳، ۵۵۳
آگهی، سروان محمدباقر؛ ۴۵	آروین، جان؛ ۵۲۲

- آگنیو، اسپيرو؛ ۳۴۸
 آل احمد، جلال؛ ۱۵۹، ۱۶۱، ۴۸۴
 آلا دپوش، حسن؛ ۴۲۱
 آلا دپوش، مرتضی؛ ۴۱۹، ۴۲۱
 آل بویه (دکتر)؛ ۱۱۲
 آلمان؛ ۹۹، ۳۷۸، ۴۵۴، ۴۵۸، ۴۷۲، ۴۷۷، ۵۰۷
 آلمان غربی؛ ۳۰۴، ۴۵۶، ۴۵۷، ۵۵۶
 آلن، جورج (سفیر آمریکا در ایران)؛ ۵۰۹
 آمریکا؛ اکثر صفحات
 آمریکای لاتین؛ ۱۳۳، ۲۰۳، ۳۴۳، ۳۸۳
 ۳۸۴، ۴۱۴، ۴۳۶، ۵۲۵
 آموزگار، دکتر جمشید؛ ۴۹۵
 آموزگار، جهانگیر؛ ۱۷۳
 آنکارا؛ ۲۰۳، ۵۲۷
 آواکس؛ ۵۴۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۷
 آیزنهاور، ژنرال دووایت؛ طرحریزی کودتا در ایران ۲۳، کمک اقتصادی و نظامی به زاهدی ۷۵، قرارداد کنسرسیوم ۸۰، ۸۹، ۹۰، ۹۲، سفر به ایران ۹۴، ۹۵، دکترین ۱۵۳، ۵۱۶
- الف**
 ابوذر؛ ۴۸
 ابوظبی؛ ۴۰۰
 ابوعلی سینا؛ ۴۸
 اتابکی، رحمت؛ ۱۳۹
 اتحادیه انجمن های اسلامی در اروپا؛ ۴۷۷
 اتحادیه دانشجویان؛ ۴۵۶
 اتحادیه دانشجویان ایرانی در فرانسه؛ ۴۵۴
 اتحادیه، مریم؛ ۴۳۰، ۴۳۱
 اتریش؛ ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۶۲، ۴۷۷، ۵۰۷
- اتفاق، حاج غلامحسین؛ ۱۰۸
 اتیوپی؛ ۳۴۸، ۳۶۳
 احزاب فرانسه؛ ۳۲۶
 احمدآباد (تبمیدگاه دکتر محمد مصدق)؛ ۱۴۸، ۲۱۱، ۲۵۰، ۲۶۴، ۲۶۸، ۲۷۹، ۲۸۲، ۲۸۳، ۴۶۰
 احمدزاده، طاهر؛ ۱۰۹، ۱۲۵
 احمدزاده، مجید؛ ۳۹۱
 احمدزاده، مسعود؛ ۱۲۶، ۳۸۱، ۳۸۳، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۹۱
 احمدشاه قاجار؛ ۲۰۸
 احمدی، حمید؛ ۴۸۷
 احمدیان، بهمن؛ ۴۵۷
 احمدیان، جلیل؛ ۴۱۹، ۴۲۰
 اخگر، سرهنگ احمد؛ ۱۱۶
 اخوی، سرتیپ حسن؛ ۴۸
 اخوی، جمال الدین؛ ۷۳، ۱۷۰، ۱۰۹
 اخوی، شاهرخ؛ ۴۸۴
 ادیب برومند، عبدالعلی؛ ۱۴۶، ۲۵۷
 اراک؛ ۱۲۱
 ارانی، دکتر تقی؛ ۴۳۳
 اردلان، دکتر عبدالحسین؛ ۱۰۹، ۱۳۹، ۱۴۶، ۱۶۹، ۲۱۱، ۲۵۵، ۲۵۶
 اردلان، علی؛ ۲۱۱، ۲۴۳، ۲۵۶
 اردلان، فرج اله؛ ۴۵۷
 اردن؛ ۳۴۸، ۴۰۱، ۴۱۲
 ارسنجانی، میرزین العابدین؛ ۱۸۳
 ارسنجانی، دکتر حسن؛ ۱۷۳، ۱۸۲، ۱۸۳
 ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۹۳، ۱۹۹، ۲۴۶
 ارفع، سرلشکر حسن؛ ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۲
 ارفع زاده، مهرداد؛ ۲۱۱، ۲۵۶
 ارفع زاده، بامداد؛ ۲۴۲

اشرف زاده کرمانی، منیژه؛ اولین زن
مجاهدی که در برابر جوخه آتش ایستاد
۴۲۹

اصفهان؛ ۲۰۸، ۲۳۵، ۳۷۶، ۳۷۸، ۳۹۴،
۴۰۹، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۲۷، ۴۶۸

اصفهان، کاظم؛ ۲۴۲
اصلاحات ارضی؛ ۱۳۹، ۱۷۴، ۱۷۶،
۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۹۴، ۲۱۴،
۲۱۵، ۲۱۷، ۲۲۱، ۲۳۷، ۲۸۸، ۳۴۶،
۳۹۵، ۳۹۷

اصفیا، مهندس صفی؛ ۱۹۹
اعتمادزاده، سرهنگ محمد؛ ۳۳۲
افتخاری، بیژن؛ ۴۵۷، ۴۵۹
افتخاری، منیژه (بتول)؛ ۴۲۹
افسران ناسیونالیست؛ ۵۳ تا ۵۸
افشارطوس، سرتیپ محمود؛ ۵۸، ۱۵۹
افضلی (سرهنگ)؛ ۳۱۰

افغانستان؛ ۱۲۵، ۵۲۷، ۳۵۳، ۳۵۴
اقبال لاهوری؛ ۴۸۷
اقبال، محمدرضا؛ ۱۴۶
اقبال، دکتر منوچهر؛ ۹۳، ۹۵، ۱۳۴، ۱۴۰،
۱۴۱، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۵، ۱۸۴، ۲۱۵،
۲۱۶، ۴۹۴

اقلیدی (مهندس)؛ ۱۰۸
اقیانوس هند؛ ۵۳۵، ۵۵۶
اکینس، جیمز؛ ۵۲۶
الجزایر؛ ۳۵۷، ۳۶۱، ۳۷۳، ۳۹۴، ۴۱۸،
۴۳۷، ۴۴۷، ۴۷۲

الفتح؛ ۳۸۱، ۳۹۴، ۴۰۰، ۴۰۱
القیاسی، محمدتوفیق؛ ۲۳۷
الگار، حامد؛ ۴۸۴
الموتی، نورالدین؛ ۱۷۳، ۱۷۵

ارم، سرلشکر محمود؛ ۴۸

اروپا؛ ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۷، ۴۱۰

اروپای شرقی؛ ۳۲۶

اروپای غربی؛ ۳۴۵، ۴۵۵، ۵۲۱، ۵۲۹

اروند رود؛ ۳۵۴

ازغندی، هوشنگ (منوچهری)؛ بازار پرس و
شکنجه گرساواک ۴۳۲، ۵۰۰

اسپیر، جو؛ ۳۴۳

استالین، جوزف؛ ۱۵۰، ۱۵۶، ۱۵۷، ۳۲۴،
۳۸۵، ۴۲۶

استان فارس؛ ۴۱۵، ۴۲۲

استان مرکزی؛ ۴۱۵

استخر، محمدحسین؛ ۷۹

استرالیا؛ ۵۵۳

استمپل، جان؛ ۳۷۹

استوکس، ریچارد؛ ۲۸، ۸۸

استیونس، پیر راجرز؛ ۷۶

اسرائیل؛ ۶۲، ۶۵، ۶۶، ۹۳، ۹۴، ۲۲۹،
۲۸۸، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۹، ۳۳۹، ۳۴۲،
۳۴۵، ۳۵۲، ۳۵۶، ۳۶۳، ۴۱۳، ۴۲۸،
۴۷۰، ۴۹۰، ۴۹۳، ۵۱۷، ۵۲۲، ۵۲۵،
۵۲۷، ۵۲۸، ۵۳۲، ۵۴۳، ۵۵۳، ۵۵۷،
۵۵۸

اسکندانی، سرگرد علی اکبر؛ ۴۸، ۴۹، عضو
حزب توده ۵۲

اسکندر؛ ۳۹۱

اسکندری، ایرج؛ ۱۵۱، ۳۲۶

اسکندریه؛ ۶۴

اسلامی، صادق؛ ۳۷۴

اشتری، هادی؛ ۱۷۳

اشرف، حمید؛ ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۴

۳۹۰، ۳۹۲، ۴۳۷، ۴۴۰، ۴۴۵

- امام رضا (ع)؛ ۵۰۱
 امام زاده عبدالله؛ ۱۱۵
 امامی خویی، نورالدین؛ ۷۹
 امامی، دکتر سیدحسین؛ ۷۹
 امانی، صادق؛ ۳۱۱، ۳۷۴
 امانی، هاشم؛ ۳۱۱
 امجدی، سرگرد مصطفی؛ ۳۲۴
 امیرآباد؛ ۵۰۸
 امیرانتظام، عباس؛ ۱۶۶
 امیررحیمی، سرهنگ عزیزاله؛ ۳۳۲، ۳۳۴
 امیرعلایی، دکتر شمس الدین؛ ۱۰۹، ۱۲۱، ۱۴۹، ۲۱۱، ۲۵۶، ۲۶۲
 امین الدوله (میرزا علی خان، صدراعظم اسبق)؛ ۱۸۸
 امین زاده (سرهنگ)؛ ۴۸
 امینی بازرگان، فاطمه؛ ۴۲۱
 امین، پرویز؛ ۱۶۶، ۳۷۸، ۳۸۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۴
 امینی، دکتر علی؛ نخست وزیری ۱۴۵، ترکیب کابینه ۱۷۳، رابطه با جبهه ملی و محمدرضا شاه ۱۷۵ تا ۱۷۹، برنامه اصلاحات ارضی ۱۸۲ تا ۱۸۷، توطئه برکناری امینی ۱۸۸، حمله به دانشگاه تهران ۱۸۹، شکست برنامه های رفورم و کنساره گیری ۱۹۱ تا ۱۹۴، نتایج اختلافات دکتر امینی و جبهه ملی ۲۴۵ تا ۲۴۷
 امینی (اراکي)، نصرت اله؛ ۱۰۹، ۱۴۶، ۲۱۱، ۲۴۲، ۲۴۴، ۲۵۷، ۲۶۴
 انالز، مارتین؛ ۵۰۰
 انتظام، عبدالله؛ ۷۳
 انتظام، نصراله؛ ۱۹۹
 انجمن اسلامی دانشجویان؛ ۴۶۶، ۴۶۷
 انجمن ایران و آمریکا؛ ۳۹۱، ۴۱۱
 انجمن حجتیه؛ ۴۰۰
 انجمن دانش آموزان مسلمان؛ ۳۸۳
 انجمن آمریکائی دوستداران خاورمیانه؛ ۴۶۵
 انجمن های ایالتی و ولایتی؛ ۲۲۴
 اندرسون، جک؛ ۳۴۳
 اندونزی؛ ۱۲۵
 اندرزگو، سیدعلی؛ ۴۳۰
 انزلی؛ ۳۹۱
 انصاری، هوشنگ؛ ۳۱۸، ۳۳۷، ۳۴۲، ۴۹۵
 انتظام (مهندس)؛ ۱۱۹
 انقلاب ۱۳۵۷ (انقلاب اسلامی)؛ ۱۵۴، ۱۷۷، ۳۲۵، ۳۶۳، ۳۶۹، ۴۴۷، ۴۶۷، ۴۸۴، ۵۴۲، ۵۵۸
 انقلاب اکتبر ۱۹۱۷؛ ۳۰۳
 انقلاب الجزایر؛ ۳۷۷، ۴۷۰، ۴۷۸، ۴۷۹
 انقلاب سفید (رفراندوم)؛ ۱۳۷، ۱۶۳، ۱۸۱، ۱۸۲، ۲۰۰، ۲۱۰، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۸، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۴۲، ۲۹۴، ۲۹۶، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۷، ۳۱۵، ۳۱۷، ۳۱۹، ۳۳۲، ۳۳۳، ۴۱۶، ۴۶۲، ۴۶۶، ۴۷۳، ۴۸۸، ۴۹۵، ۵۰۳
 انقلاب شاه و مردم؛ ۱۳۷، ۱۷۶، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۶، ۲۹۸، ۳۱۹، ارزیابی عملکرد انقلاب سفید ۳۴۵، ۴۳۷، ۴۵۸، ۴۹۷
 انقلاب عراق (۱۹۵۸)؛ ۲۰۳
 انقلاب کوبا؛ ۳۷۷، ۳۷۸، ۴۷۰
 انکرت وان؛ ۵۰۷
 انگجی، آیت الله سید محمدعلی؛ ۱۱۶، ۱۲۶، ۲۵۷
 امین زاده (سرهنگ)؛ ۴۸
 امینی بازرگان، فاطمه؛ ۴۲۱
 امین، پرویز؛ ۱۶۶، ۳۷۸، ۳۸۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۴
 امینی، دکتر علی؛ نخست وزیری ۱۴۵، ترکیب کابینه ۱۷۳، رابطه با جبهه ملی و محمدرضا شاه ۱۷۵ تا ۱۷۹، برنامه اصلاحات ارضی ۱۸۲ تا ۱۸۷، توطئه برکناری امینی ۱۸۸، حمله به دانشگاه تهران ۱۸۹، شکست برنامه های رفورم و کنساره گیری ۱۹۱ تا ۱۹۴، نتایج اختلافات دکتر امینی و جبهه ملی ۲۴۵ تا ۲۴۷
 امینی (اراکي)، نصرت اله؛ ۱۰۹، ۱۴۶، ۲۱۱، ۲۴۲، ۲۴۴، ۲۵۷، ۲۶۴
 انالز، مارتین؛ ۵۰۰
 انتظام، عبدالله؛ ۷۳
 انتظام، نصراله؛ ۱۹۹

بازرگان، مهندس مهدی؛ در نهضت مقاومت
ملی ۹۹ تا ۱۰۹، اعتراض به قرارداد
کنسرسیوم و اخراج از دانشگاه ۱۱۹،
۱۲۰، در جبهه ملی دوم ۱۴۶، تأسیس
نهضت آزادی ایران ۱۶۳ تا ۱۶۸،
ملاقات با دکتر علی امینی نخست وزیر
۱۸۸، در کنگره جبهه ملی دوم ۲۱۰ تا
۲۱۳، عضویت در شورای مرکزی جبهه
۲۵۶، ۲۷۷، مخالفت با رفراندوم و
انقلاب سفید، ۲۱۵، دستگیری و
محاكمه ۲۱۶، ۲۴۲، ۲۴۳، در دادگاه
نظامی ۲۳۲ تا ۲۳۴، تماس با گروه
اعزامی به مصر ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۸،
۴۷۱، ۴۷۴، ۴۷۷

بازرگانی، محمد؛ ۳۹۵، ۳۹۹، ۴۰۱، ۴۰۳،
۴۰۷

بازرگانی، بهمن؛ ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۹،
دستگیری و محاكمه ۴۰۳، ۴۰۷
باکری، علی؛ ۳۹۵، ۳۹۹، ۴۰۱، ۴۰۳،
۴۰۷

بال، جورج؛ ۳۵۰
باندی، مک جورج؛ ۳۴۰، ۳۴۲
بانک جهانی؛ ۳۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹،
۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۸۸

بانک چیس مانهاتان؛ ۵۳۹، ۴۹۲
بانک مرکزی ایران؛ ۴۹۲، ۴۹۳
بانک ملی؛ ۲۳۶، ۲۵۱
بانک عمان؛ ۴۱۳

باهری، دکتر محمد؛ ۱۹۹
بایار، جلال (رئیس جمهور اسبق ترکیه)؛
۹۳، ۱۲۱

بجنوردی، کاظم؛ ۳۷۴، ۳۷۵

انگلستان؛ در اکثر صفحات

انورسادات، محمد؛ ۵۳۲

انواری، حاج محمدتقی؛ ۱۰۸، ۱۲۶

انواری، حاج محی الدین؛ ۳۱۱

اوپک؛ ۳۵۴، ۳۵۷، ۳۸۶، ۵۲۲، ۵۲۶،

۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۵۷

اورنگ، عبدالحسین؛ ۷۹

ایکچی، حمید؛ ۳۱۱، ۳۷۴

ایتالیا؛ ۹۹، ۱۲۶، ۱۸۴، ۲۶۲، ۳۲۶،

۴۵۶، ۴۵۷

ایدن، آنتونی؛ ۱۹، ۴۰، ۶۴

ایروین، جان؛ ۵۳۱

ایتلیجنت سرویس؛ ۳۹۸

ایوب خان، محمد؛ ۲۹۶

ب

باتلر، ویلیام؛ ۵۵۱

باتمانقلیچ، سرلشکر نادر؛ ۱۱۱

باتیستا؛ ۳۸۸، ۴۴۷

بارزانی، ملا مصطفی؛ ۳۵۶، ۳۵۷، قرارداد

الجزایر و شکست کردها ۳۵۸، ۳۶۱،

۳۶۲

بازار تهران؛ اعتصاب ۱۰۲، همکاری با

نهضت مقاومت ملی ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۰۷،

۱۱۰، ۱۲۴، ۱۷۰، ۲۰۱، ۲۳۵، ۲۳۶

بازاریان تهران؛ ۴۷۷

بازرسی شاهنشاهی؛ ۴۹۱

بازرگان، ابوالفضل؛ ۳۷۸، ۴۶۹

بازرگان، پوران؛ همسر حنیف نژاد ۴۱۸، در

سازمان پیکار ۴۱۹، ۴۲۰

بازرگان، محمود؛ ۳۹۵

بازرگان، منصور؛ ۴۱۹، ۴۲۱

- بحرین؛ ۱۵۴، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴
بخارائی، محمد؛ ترور منصور نخست وزیر
۳۷۴، ۳۱۱
بختیار، سپهبد تیمور؛ فرماندار نظامی پس از
کودتای ۲۸ مرداد ۹۴، ۱۰۰، سفر به
آمریکا و ملاقات با پرزیدنت کندی
۱۷۱، توطئه علیه دولت امینی ۱۹۰،
برکناری و تبعید ۱۹۲
بختیار، دکتر شاپور؛ در نهضت مقاومت ملی
۹۹، ۱۰۸، در جبهه ملی دوم ۱۳۹، عضو
هیئت اجرایی ۱۴۶، ۱۵۲، سخنرانی در
میدان جلالیه ۱۷۷، در شورای عالی
جبهه ۱۷۸، ۲۱۱، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۵۶
بدیع زادگان، علی اصغر؛ ۳۹۳، بیوگرافی
۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۹، ۴۰۱، دستگیری و
محاكمه ۴۰۳، شهادت ۴۰۶
براتی، مهران؛ ۴۵۷
برادران رشیدیان؛ ۲۲، ۵۳۷
برادران رضائی؛ ۴۲۱
برادران قشقائی؛ ۴۷۳
برازجان؛ ۱۲۱
براون، هارولد؛ ۵۵۲، ۵۵۵، ۵۵۷
برتود، اریک؛ ۴۱
برزگر، غلامرضا؛ ۱۹۹
برزیل؛ ۳۸۳، ۴۳۷، ۵۵۳
برژینسکی؛ ۵۵۳، ۵۵۵
برغان؛ ۱۶۴
برگ ژان؛ ۴۷۸
برلیان، سیاگزار؛ ۲۴۲
برلن؛ ۲۰۲
برن؛ ۴۷۰
بروجردی (آیت الله)؛ ۲۱۷
بروجن؛ ۲۹۱
برومند، بهروز؛ ۲۴۲
برومند، عبدالرحمن؛ ۲۵۷
برهان، عبدالله؛ ۴۵۷
بزرگمهر، سرهنگ جلیل؛ ۲۰
بزرگ نیا، مصطفی؛ ۱۱۳
بسته نگار، محمد؛ ۳۳۴
بطحائی، طیفور؛ ۴۳۰
بغداد؛ فرار شاه (مرداد ۱۳۳۲) ۷۳، ۲۲۵،
۲۳۷، ۴۰۱، ۴۱۰، ۴۳۲، ۴۶۷، ۵۲۷
بقائی، دکتر مظفر؛ ۲۱، ۲۳، ۱۴۰، ۱۵۷،
۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰
بلیتجن، گلین؛ ۵۴۵
بلژیک؛ ۲۹۷
بلشویکها؛ ۵۰۷
بلوچستان؛ ۴۱۰
بلوئه، ماکس؛ ۳۴۹
بن؛ ۴۵۵
بن بلا، احمد؛ ۴۴۷
بندر شاپور؛ ۵۱۱
بندر عباس؛ ۴۳، ۳۰۹، ۵۵۸
بن گوریون، دیوید؛ ۶۴
بنگلادش؛ ۳۵۴، ۳۵۶
بنیاد پهلوی؛ ۱۳۸، ۱۳۹، ۳۶۸، ۴۹۳
بنیاد شریعتی؛ ۴۸۰
بنی اعتماد (سرتیپ)؛ ۲۸۹
بنی امیه؛ ۲۲۷، ۲۲۸
بنی صدر، دکتر ابوالحسن؛ ۴۲۶، ۴۵۷،
۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۷۷، ۴۷۸
بنی صدر، فتح الله؛ ۹۹، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۰۹
بیل، جیمز؛ ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۳۱۵
بوستر، آرچی؛ ۳۴۱

- بوشهر؛ ۱۲۱، ۵۵۸
 بولینگ، جان؛ ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۹
 بومدین، هواری؛ ۳۵۷
 بویراحمد علیا؛ ۲۹۰
 بهادر، حبیب؛ ۲۹۱
 بهادری، احمد؛ ۱۷۱
 بهارستان (میدان)؛ تظاهرات حزب توده و
 ملیون ۲۱، ۱۱۱، ۱۷۲، ۱۷۳
 بهار، دکتر مهدی؛ ۳۴۳
 بهار، مهرداد؛ ۴۵۷
 بهبودی، سلیمان؛ ۴۶
 بهبهان؛ ۲۹۱
 بهبهانی، سیدجعفر؛ ۷۹، ۱۷۱
 بهبهانی، سیدمحمد؛ ۲۱۷
 بهرامی، دکتر محمد؛ ۳۲۵
 بهرنگی، محمد؛ ۴۸۴
 بهروان، عبدالله؛ ۴۵۹
 بهره‌ور، دکتر؛ ۳۳۲
 بهشتی، آیت‌الله دکتر محمد؛ ۳۹۴
 بهلول (سرباز وظیفه)؛ ۴۹
 بیات، سهام‌سلطان؛ ۸۲
 بیروت؛ ۲۳۷، ۲۹۷، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۹
 ۴۲۳، ۴۷۰
 بیژن، دکتر اسد؛ ۱۰۹، ۱۱۶، ۱۱۹
 بیگدلی، احمد؛ ۵۰۰
 بهنیا، عبدالحسین؛ ۱۷۳
 بیل، جیمز؛ ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۳۱۵
 ۴۹۸، ۴۹۹
 بیمارستان پهلوی؛ ۱۹۱
 بیمارستان رضانور؛ ۱۵۸
 بیمارستان سینا؛ ۱۹۱
 بیمارستان شهربانی؛ ۱۹۱
 بیمارستان شیر و خورشید؛ ۱۹۱
 بیمارستان فارابی؛ ۱۹۱
 پ
 پاپامندرس (نخست وزیر ترکیه)؛ ۱۳۱
 پارسا، علی اصغر؛ ۱۰۹، ۱۱۶، ۱۴۹، ۲۱۱
 ۲۴۳، ۲۵۵، ۲۵۶
 پادگان اسواران سوار؛ ۴۸
 پادگان نیروی هوایی؛ ۱۸۱، ۲۳۵
 پادگان یاسوج؛ ۲۹۰
 پادگورنی، نیکلای ویکتوریچ؛ ۳۴۸
 پاریس؛ ۲۲۷، ۳۴۹، ۳۴۳، ۴۰۰، ۴۰۹
 ۴۲۶، ۴۳۲، ۴۴۳، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۶۰
 ۴۶۲، ۴۶۹، ۴۷۲
 پاکدامن، منصور؛ ۴۶۱
 پاکدامن، ناصر؛ ۴۵۵، ۴۵۷
 پاکروان، سرلشکر حسن؛ ۹۴، ۱۹۹، ۲۹۸
 ۳۱۱
 پاکستان؛ ۳۸، ۶۲، ۱۷۲، ۲۹۶، ۳۵۲
 ۳۵۳، ۳۵۴، ۴۰۰
 پالایشگاه آبادان؛ ۸۵
 پاول، جودی؛ ۵۵۳
 پایگاه وحدتی؛ ۲۸۹
 پرایس، ژنرال هارولد؛ ۴۱۱، ۵۳۸
 پرتغال؛ ۵۵۳
 پرتوی، سیروس؛ ۴۶۵، ۴۶۸
 پرسپولیس؛ جشنهای ۲۵۰۰ ساله ۳۴۸
 ۳۴۹، ۳۵۰، ۴۹۸
 پرودوم، هکتور؛ ۳۲
 پروژه آیکس؛ ۵۰۲، ۵۴۰، ۵۴۲
 پزشکپور، محسن؛ ۱۵۳
 پگاهی، سرهنگ محسن؛ ۳۳۲